

پیام تهنیت مجاهدین خلق ایران به برادران قهرمان پاسدار

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران
مجاهدین خلق ایران، با افتخار و غرور انقلابی از موضعگری انقلابی برادران قهرمان پاسدار در خوزستان، در قبال مسائل ارضی اطلاع یافته و نهایت خرسندی و تشایعات مثبتی و انقلابی خود را به آنان تقدیم میدارند.
برادران پاسدار در خوزستان بر حسب این رهنمود تشیع انقلابی که: «الزورع للزورع ولوکان غاصبا» کشت متعلق به کشاورز است گرچه زمینش غصبی باشد، اعلام داشتند که:

بقیه در صفحه ۴



سال اول - شماره ۱۶ - به شنبه ۲ دیماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ ریال

مجاهدین خلق ایران شخص رهبری انقلاب، امام خمینی را برای تصدی ریاست جمهوری نامزد می کنند

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

سازمان مجاهدین خلق ایران، با توجه به مجموعه اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود و با در نظر گرفتن کلیه مسائل و شرایط ملی و بین المللی میهن مان، شخص رهبری انقلاب «امام خمینی» را شایسته ترین انتخاب برای تصدی مقام ریاست جمهوری دانسته و آرزای خود را در رای گیری آینده به شخص ایشان خواهد داد.

بقیه در صفحه ۱۲

مبارزه در آستین انقلاب

در فضائی که مجاهد مورد تهاجم واقع میشود، رسیدن امثال امیر انتظام به عالیترین مقامات، طبیعی است

مسئله اساساً پرسو قلب مفاهیم و واژه شناسی انقلاب است
بالاخره سرکار آقای امیر انتظام برای همه روشن شد. خیلی اسرار دیگر هم هست که ناشناخته است. به برکت افکارهای دانشجویان پیرو خط امام شاید روشن بشود. علت اینکه آنقدر بر ضرورت افکارهای در مورد روابط و مسائل پشت پرده... تاکید کرده و میکنیم همین است. البته امیدواریم برای آقای مهندس بازرگان هم دیگر هرگونه شک و شبهه ای در مورد نظایر امیر انتظام و سرهنگ توکل و... دستیاران و همکارانی از این دست روشن شده باشد. آخر ایشان در برابر اعتراضات و افکارهای ما و سایر نیروهای اصولی این میهن، خیلی اسرار داشتند که این قبیل افراد را بارها و بارها «میپرسست و ملی...» معرفی کنند

از قضا اولین موضوع مخالفت ما با کج رویها و جنبه های ارتجاعی وضعیت موجود بر سر همین آقایان سرهنگ توکل و امیر انتظام بود:
شرح قضیه به این صورت است که چند روز قبل از ورود امام به ایران آقای بهشتی که آن موقع در کمیته تدارک از استقبال امام فعالیت داشتند (که سنگ بنای کمیته های موجود از همانجا گذاشته شد) برادران ما را به حفاظت از شخص امام از لحظه ورود تا استقرارشان در تهران (یا قم) مسئول و موافق ساختند. طبقاً با این وظیفه میبایست با همکاری «کمیته تدارک» صورت میگرفت. از طرف دیگر ما مطابق تحقیقات و اطلاعات خودمان به دستها و روابط مشکوکی در آن کمیته برخورد کرده بودیم.

سرهنگ از مردم پاک و اصل که جز نیت شور و شوق خدمت چیزی در سر و دل نداشتند، عده ای هم بودند که تا دیروز در سوراخهایشان خزیده بودند و امروز به بوی گیاب آمده بودند و عده ای هم ابادی و عناصر شخصاً «مشکور» نظایر مهدی روفیها و...
بنام مثال کیروز «جوان» سرباز و شکنجهگر مشهور ساواک(که هنوز هم دستگیر نشده) در آنجا دیده شده بود بعد که بر سر و جوگردیم گفتند جزو رابین دولت وقت (بخشدار) آمده و رفتند!
سابقه جناب سرهنگ توکل را (که در شبهه اول انقلاب امیرهایشان را از یاد میخواند رئیس ستاد انقلاب نیز از خیلی وقت پیش داشتیم) این بود که برادران ما از آقای بهشتی تقاضا کردند که بخاطر حساس بودن بقیه در صفحه ۲

به حقایق که در میان مردم شایع است بی اعتنا نباشید!

تعهد نسبت به خدا و خلق ایجاب می کند که هر چه بیشتر در افشای عناصر سازشکار و خائن بکوشیم.

بار دیگر در جریان واچگری مجدد مبارزه ضد امپریالیستی خلفان، چهره یکی دیگر از عناصر سازشکار و وابسته، یعنی سخنگوی دولت قبلی بوسله استادی که در جریان اشغال لانه جاسوسی به دست دانشجویان پیرو خط امام آماده بود، آشکار شد و گوشه ای از حقایق درون سیستم بر مردم ستندیده و محرومان روشن گردید.
اما سخن بر این است که، امیر انتظام نه اولین این عناصر بوده و نه آخرین آنها خواهد بود؛ بلکه تنها یکی از مهرهای وابسته و سرسپرده امپریالیسم است. و لذا امیدواریم همانطور که خواسته همه مردم ایران بوده و می باشد، در جریان تدارک انقلاب و منق بخشیدن به مبارزه ضد امپریالیستی، افکارهای دانشمندان امیر انتظام که این جهت ادامه پیدا کند، زیرا همانطور که آنان در اعلامیه «افشای خود یادآور شده اند» «صید ما نسبت به خدا و خلق ایجاب میکند که هر چه بیشتر در افشای چهره عناصر سازشکار و خائن بکوشیم. و طبیعی است که این راه هیچگونه ملاحظه کاری و مصلحت گرایی را جزا نندازد»
اما چگونه امثال امیر انتظام امکان فعالیت پاتنه و می باشد؟
سرهنگه تقریباً شماره گذشته اعلام کردیم «دولت قبلی بدون اینکه به هیچ یک از افراد این دوری داشته باشیم به بنای مورد نظر ما، نه امکان عملکرد انقلابی داشت و نه عملکرد ضد امیر»

بالیستی. «همه سخن همینجاست، وقتی که در جریان انقلاب دولتی که روی کار می آید، در متن انقلاب و همراه فراز و نشیبهای آن، نبوده باشد، و در کوره آتش آبدیده نباشد؛ مانند و همچنین وقتی که در جریان حل مشکلات مسائل اجتماعی راه حلهای انقلابی و اصولی اتخاذ نشود، امکان و فرصت نفوذ و رشد برای عناصر مرتجع و سازشکار و حتی خائن، خیلی ساده بوجود می آید. بطوری که در بیشتر نهادهای دولتی قبل، شاهد این گونه عناصر بودیم که هنوز هم خیلی از آنان در جای خود باقی مانده و بطور کامل تصفیه نشده اند. این عناصر که همچون آقای امیر انتظام ملائحتند به ادامه تماس با امریکا بوده و خالمانه میگویند تا دوباره روابط دوجانبه خوبی را بین ایران و امریکا برقرار کنند. زیربگری و بوزبانه عمدتاً به بهانه های زیر در راه رسیدن به اهداف خود موش و تلافی میگردند. چالب اینکه آقای امیر انتظام به کسانیکه شایع شده اند میگوید امپریالیستی او سودمند است. عین انقلاب میزد.

اهداف امیر انتظام در دوران وزارت در سوسی پروانید

۱- تأسیس سازمان اطلاعاتی و در اصل تجدید سازمان ساواک منحل که از رهنمودهای تهرانی محمدرضا، برای به اصلاح تصفیه بیگانگان و جاسوسان سازمان ۱۱ و این زمینه نظریات قابل توجهی داشتند. از قول ایشان در روزنامه پندنگ ۵۸/۱/۱۱ چنین میخوانیم: یک گروه سه نفری برای تسویه به سازمان امنیت امراض شده اند این سازمان وسایل و دستگاه های هر چه می دارد که به صورت این تأسیسات عظیم امثال الله هیچ وقت علیه ملت ایران بکار گرفته نخواهد شد و این امر جاسوس برای کنترل بیگانگان و جاسوسان خارجی استوار کرد.

باز می بینیم که ملایم ادعای سخنگوی دولت در اطلاعات ۶ اردیبهشت در مورد لیست ۸ هزار نفر

در تشریح مجاهد شماره ۴، در قسمتی از مقاله «ماهیت فعلی روابط ایران و امریکا» تحت عنوان «موضع نزدیک امیر خنجاری حاکم در قبال دولت» چنین میخوانیم: سخنگوی دولت ایران «عباس امیر انتظام» دستورات دولت از چند مستشار و تکنیسین آمریکایی برای تعمیر و نگهداری وسایل خبری در ایران شده است. امریکا توسط وزیر سابق را تأیید کرد. «این مستشاران عمدتاً در زمینه ابراز تکنیک و رادار تخصصی اند که در حال حاضر برای مراقبت بیشتر از مرز ایران و عراق اهمیت بسیار دارند.»
بقیه در صفحه ۴

وحدت نیروهای متفاوت اجتماعی

نقش افشار و طبقات و نیروهای مختلف اجتماعی و صلاحیت آنها در مبارزه ضد امپریالیستی یکسان نیست
آنچه شخصی می کند که چه افشار و طبقاتی می تواند در مبارزه وحدت داشته باشند ماهیت اقتصادی اجتماعی آنهاست. «مثلاً» در انقلاب مشروطیت که نظام حاکم «فئودالیسم وابسته» بود همه افشار و طبقاتی که حاکمیت سلسله قاجار رنج می بردند، می توانستند در مبارزه با او شرکت کنند. اما در انقلاب امپریالیستی که حاکمیت امپریالیسم رنج می بردند، این موضوع کاملاً متفاوت است. در این مبارزه بازمه ما در درک ضرورت تاریخی زمان و سادامی تکامل یعنی ضرورت مبارزه با امپریالیسم بعنوان شیطان بزرگ و یا بزرگترین شیطان فقط و فقط در مقوله وحدت، از نیروهایی می توان سخن گفت که بهر شکل مبارزه با امپریالیسم در دستور کار آنها قرار گرفته باشد. به این ترتیب صحبت کردن از وحدت دوحزب که یکی معتقد به نفی سلسله امپریالیسم است و دیگری پس از فرو ریختن بنای استبداد انقلاب را خامه یافته تلقی می کند، هر چند هر دو این احزاب خود را مسلمان می دانند، امری اشتباه و غیرعلمی است. برعکس برای گردن یک نیرو صرفاً بدلیل اعتقادات فلسفی از صفوف مبارزه ضد امپریالیستی هم غیر اصولی و مخالف درک علمی از وحدت است. بنا بر این مشاهده می کنیم که با «قرارداد» و «بزیای» «تعالیات» نمی توان پاسانه و وحدت برخورد کرد. این قراردادها نیستند که فاسد و فبای امپریالیسم، ارتجاع و امپریالیسم ضار امپریالیستی داشته و دارد، لازمه استمرار انقلاب و هر چه مستقیم تر کردن آن پاک کردن هر سنتی از آثار و باقیات امپریالیسم است.

ضرورت و معیار تصفیه در ارتش

برای انقلاب زودرس ما، مناجال جدا شدن سره از نمره فراهم شده است.
از سربازان مسائلی که پس از هر انقلاب، در پیش روی مردم قرار می گیرد، مسأله تصفیه ارتش است. بنیادهای مملکت از عناصر سرسپرده و ضد انقلاب است. عبارت دیگر اگر چه بعد از انقلاب بنیادهای گذشته دگرگون شده و سیستم نو آورده می شود، ولی در عین حال حتی این سیستم های جدید نیز نتوانند با بهره های رژیم قبل به زیات خود ادامه دهند. مسأله بقدری جدی و حیاتی است که اگر درستی با آن برخورد نشود، همین مسأله تصفیه می تواند در دست مرتجعین تبدیل به سلاخی برای قلع و رجم مخالفین گردد.
برای انقلابی نظیر انقلاب ما با سرعتهی سرسام آور شاه را از تخت فروکنند و فراری داد و کسب مجال آن فراهم شد که سره و ناسره را یکدیگر جدا کردند و در نتیجه، بسیاری عناصر فاسد و وابسته رژیم گذشته

وای بر «حسینیانی» که خارج از جریان عمل و کردار حسینی و جدا از زهروان محمدی، حسین و محمد و خدا را می جویند

کردنی. نه ستایشی بدانگونه که ندانم این چه عجز و نتر شاها و امیران می کنند که بیشتر به آواز ناخوش زاغ و زغن و سیاسی کوبی گدایان تشنه بر ذهن می مانند، بل سوتنی از آن نوع که ترم هستی است. در پیش پای حاملان رسالت انسان، آنها که از هر چه فرومایگی است رها شده و بخدا می پیوندند، دیگر که تشنه بر جانها با داورند، خدایگویی شان تکلیف می کنند و چنین است که در گرگرم عاشورا خونخواهی خود و حسین را از خدا روزی می خواهم. و این تنها داعی کسی می تواند باشد. که حسین را کعبه را در کربلا جستجو کرد است. و نه آنکه که هنوز در کعبه های درهم و پندار و با شام های و مقام، خودپرستی می کند. آنکس که مورد نظر

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۷

مارد آستین انقلاب

چگونه میتوان فرار دادن شاه توسط آمریکا را که دهن کجی آشکاره تمام ملت ایران است، پیروزی نامید؟

اکنون ضرورت هر چه بیشتر افشای جنایات سیا و ساواک آشکارتر میشود

وضعیت در آن موقع، کن دیگری در امر حفاظت از امام در مسئولیت ما دخالت نکند و یا لاقط حیثه" کار ما هر چند هم محدود باشد بخودمان واگذار شود تا بتوانیم مسئولیت آن را تقبل کنیم و این مطلب همانجا مورد قبول آقای بهشتی قرار گرفت و ما را به سایر مسئولین معرفی نمودند. لیکن در عمل (ما مجاهدین) را مؤذنبانه و غیر مؤذنبانه کنار گذاشتند. بعد هم شدید که گفته بودند مجاهدین رهبری طلب هستند و ...

آخر ما به محقق ورود، به نفس حضور نظایر سرهنگ توکلای اعتراض کرده و با دکتر سوابق، قطع بد آنها را خواستار شده بودیم.

البته آنها نمی که هم به بوی کباب تازه بیدار شده و به جمع انقلاب و انقلاب بپوشیده بودند از ما چندان دل خوشی نداشتند. جالب این بود که این عده اخیراً "خلیلی هم درد اسلام" ایدئولوژی پیادگر که تکرار بودند میادا اسلامشان را از قبل مجاهدین آسیب و انحرافی بینند البته از آن نوع اسلام هائی که جوانها و توکلایها و امیران نظامها را برای خود تنبیدی نمیبینند.

تا اینکه یک هفته پس از انقلاب توکلای چینیهای خیانتبار توکلای زرد و بندهایش با آمریکائیها (که روی توار نیز ضبط شده بود) فاش شد و همه روزنامهها هم نوشتند. لکن در اینجا آقای امیر نظام بعنوان سخنگوی دولت وارد میدان شد و سرهنگ معلوم الحاق را تطهیر ۱۱ نمود و همین سبب اولین مخالفت گردید. مخالفتها آقای حقای که بلافاصله از جانب مرتجعین و شرکای جرم به ضدیت با انقلاب و امام و نظام مبعور تعبیر شد.

آخر ما در موضعی سیاسی روز چهارم اسفند در دانشگاه تهران خواستار انحلال بنیادی و اساسی رابوک و نظام ارتش نداشتیم و تجدید سازمان انقلابی آن شده و تشکیل شورای مردمی را طلب نمودیم و همینجا در برابر دفاع امیر نظام از توکلای (که بوسیله انتظام مبین پرست خوانده شده بود) چنین گفته بودیم: "... آقای مهندس بازرگان اگر دستیار شما چنین حرفی را فی الواقع زده باشد یا بفراوانید استعفا بمانند یا بفراوانید معذرت بخواند، این توهین به تمام شیدای خلق است. مبین پرست آنگار کلمات معنی خودشان را از دست داده اند! پس لابد فردا همین شهید، خرابکار هم هست آفتیقه که این مبین پرست باشند لابد اینها خرابکار هستند، یعنی همان اوضاع سابق آ!

اما بنظر ما تنبیک نظرانه خواهد بود اگر ساله را فقط در چهارچوب امیر انتظام ببینیم و نتواند ش را هم از مهندس بازرگان بکنیم.

خیر، ساله خیلی بیشتر از این چیزهاست که به یک چاند فرد ختم خود ساله اسناد، بر سر واژه شناسی و مفاهیم و کلمات ویژه یک انقلاب است. به همین دلیل پرسیده بودیم:

"مگر کلمات معنای خودشان را از دست داده اند؟"

معلوم نشده که چطور نگاره جویران و خانه نشینان (قاعیدین) دزبوز، یکشنبه مجاهدین!! انقلابی امروز شدند

اگر بیاد داشته باشیم از فراد انقلاب (چنانکه آرایش بر حسب سیاست جهانی حقوق بشر گارتر پیشینی میگردیم) تدریجاً "تعلات انحرافی و ارتجاعی مشخصی بر سر نمود" اذیت تمام عیار ایدئولوژیک و سیاسی با نیروهای انقلابی تحت هر عنوان، به این ترتیب واژهناسی جدیدی ظهور کرد که میراث کل مفهوم انقلاب ایران را قلبه و واژگون سازد. حیاتیته به روح و مفهوم انقلاب حیاتیته گفتمانی، با زهم میگویم حیثیت به شخص امام نیز محسوب میشود. معلوم شد که ظهور نگاره جویران و خانه نشینان (قاعیدین) دزبوز، یکشنبه مجاهدین انقلابی امروز شدند و مجاهدین واقعی که تاکنون یکدم از مبارزه مرگ و زندگی با شاه و امپریالیسم فروگذار نکرده بودند، ظهور یکشنبه شد و انقلاب و منافق گردیدند. پدیده است که تنها در چنین چرخشی دست نشاندهان و وزبوزان امپریالیسم را و محل نفوذ داشتند که به عبارت ساده تر فقط با کنار گذاشتن و تنسیق و فشار بر علیه نیروهای اصل انقلابی، امکان وارد شدن نشاندهان وجود داشت. اگر بخواییم ساده تر بگویم ساله ایست که با فاصله گرفتن از انقلابیون واقعی طبعاً "زندیگی با دست نشاندهان پیش میآید. آخر فی الحقیقت ظهور می شود که کیمت با پاسدار هم و غمش علیه مجاهدین باشد و در این مسیر خودش (۵۳۲ و ۵۳۴) به طرف امپریالیسم و ارتجاع کشانده شود!

این مطلب بیان همان قانون مشهور جاذبه و دافعه است. آیا غیر از اینست که دافعه، یک نیروی انقلابی ش را دچار جاذبه امپریالیسم و ارتجاع خواهد نمود. چنین جاذبه و پدیر طاقانی بیوسه از کنار گذاشتن انقلابیون واقعی در رنج و نگرانی و حتی موقع تخلیه ستاد ما به تلخی گریست، گریه های فقط بخاطر اختار و آزار فرزندان، بلکه بخاطر ضایعیت انقلاب و قلب شدن واژه-شناسی و ارزشهای اصلی که میراث حقوق تمام رنجبران و پابرهنگانی را که پدر به آنها دست بسته بود، دل بسازد.

پدر می گفت: چرا گمانی که حتی در حین انقلاب زن و بچه خود را از شرکت در مجاهدیها یا غیره منع میگردند؟ بچه ها در امور باشند و آنها نمی که همه زحمات و شکنجهها را تحمل کرده اند؟ در زیر ...

و در برابر قلب و واژگون نمودن همین ارزشها و مفاهیم واژه شناسی و دچار شدن به دافعه نیروهای انقلابی و جاذبه امپریالیسم و ارتجاع بود که مجاهدین خلق ایران در همان چهارم اسفند ماه سال گذشته اعلام نمودند که: انقلاب رو به افول خواهد بود مگر اگر: (.....)

۲- هیچگونه تنسیق نظامی و سیاسی برای انقلابیون اصل بوجان برکت که از قدیم جنگیدند تا وجود نیاید"

از سخنان برادر مجاهدین بیشتر از آنجهت مد نظر ما بود و می باشد که راه را بر امپریالیسم و ارتجاع هوار میکند. البته معلوم است که در این شرایط امپریالیسم خودش نمی آید مستقیماً و علناً فشار و تنسیق ایجاد کند، خیر، دست امپریالیسم در قدم اول از آستین ارتجاع بیرون می آید. که اینکه دیدهایم اکثر حملاتی که تاکنون علیه نیروهای انقلابی بعمل آمده بوسیله ارتجاع و تحمیل داعوی اسلام پناهندهاش بوده است.

بنابراین چنانکه بعدها در عمل نیز اثبات شد، کنار گذاشته شدن محترمانه

بقیماض صفحه اول

معیار پیروزی بر امپریالیسم چیست؟

ملاحظه میکنید که به چه دلیل ما پیوسته ضدیت با نیروهای مدیق انقلابی را یکی از بارزترین ویژگیهای ارتجاع دانسته و میدانیم؟ زیرا در چنین فضائی همه چیز میتوان به آسانی و در هر لحظه قلب و واژگون جلوبه داده شود. و این رسالت بزرگ مکتبی و انقلابییمان بود که در مقابل چنین چیزهایی باقیم، بنابراین هرگز نباید اینطور فکر شود که نیروهای اصل انقلابی بدینال سبب و با طلب اخود از انقلاب بند، خیر، فقط کافی است انقلاب به بیراهه نرفته و لگد کوب شم ستوران سازگار نگردد. نظایر این واژگونی کلمات و مفاهیم را - که جز با مرزبندی دقیق و تفکیک آشکار میان پیروزیها، منافع واقعی خلق و انقلاب یا شکستها و زیانهای ملی و عمومی قابل فهم و جلوگیری کردن نیست- همین روزها در روایعای ایران و آمریکا متواتریم ببینیم:

وقتی که آمریکا پولبایها را از توقیف میگذرد، با واردات نفتی اش را قطع میکند یا شاه خائن را فراری میدهد، عدهای چنان تحلیل میکنند که گوئی پیروزیهای چشمگیری هم بدست آورده ایم. اینگونه برخوردها کدر جوهر و ذات خود چیزی جز دست بردار آفتن به امپریالیسم نیست. اما انتجان غلطی بخود میگرد که حتی به ضد خودش منجر میشود. کما اینکه بعد از توقیف پولبای و قطع نفت این سؤال در اندام عمومی ایجاد شده بود که پس چرا خودمان زودتر از آمریکا این کارها را نکردیم؟"

آخر مگر نه ایست که پیروزی و شکست در جریان مبارزه ای نسبت به هدف آن منبیده خواهد بود؟ آیا هدف ما انقلاب محدود بود که در خارج کردن شاه از خاک آمریکا خلاصه شود؟ اگر شیدان با این فریاد که بعد از شاه نوبت آمریکاست: "به خون غلطیدند، اگر آمریکا، دشمن اصلی است، و اگر به گفته امام رابطه آمریکا با ما رابطه ظالم با مظلوم است، معیار پیروزی ایست که دست آمریکا تا کجا از این کشور قطع شده باشد، رابطه استعماری تا کجا ریشه کن شده باشد. بنابراین وقتی آمریکا مجرم و دست نشاندهای او پس نداد و با افکار دانش مملوترین آشکیزه را نیز گرفت، است، بنابراین چگونه میتوان این دهن کجی آشکار به مردم متمدن ستمدده مارا پیروزی نامید؟ این درست است که آمریکا سرانجام تحت فشار جنبش خلق امپریالیستی خلع مجبور شده است شاه را از خاک خود اخراج کند، اما آیا میشود گفت که خلق را در مبارزه ضد امپریالیستی- اش پیروز شده و دیگر آمریکا در یک کشور نوغذی ندارد؟

میگویند یکی بارتوت قیام میگرد. او را گرفته و گفتند اینها چیست. گفت سیاهدانه ا هر چه گفتند بارتوت است باز هم انکار کرد. تا اینکه مجبور شدند برای اثبات امر طلب یک مشت بارتوت از زیر صورت و ریش اش بزنند. بارتوته یکدفعه مشتعل شد و دیگر جایی شکی نبود که بارتوت است ولی صاحب بارتوت همچنان مرد و مردانه اتوی صورت افراشان نگاه کرد و همه چنانکه مورث سیاه شده بود و از چشمانش نیز اشک جاری بود گفت: "نگفتد سیاه دانه است!" آری اکنون در فضای مورد بحث ما قلب ماخیم شکست و پیروزی چیزی مثلکتر از قلب مجاهد و متابع و پیروی مثلکتر از میوه چینی است اثرات خونهای دگرگان و گدازگشتن و تهاجم به صاحبان واقعی خونها نیست. و همه میدانیم که: چگونگی ضد آید نودهم پیش است!

و چنین است که در رابطه با روشنها و امیران نظامها، مار در آستین یک انقلاب پرورانه می شود.

و غیر محترمانه، ما از کمیته ندرک از استقبال امام بیشتر از این نظر حائز اهمیت بود که، راه را برای ورود سازشکاران و ایادی وابسته باز میگرد. چرا که اگر نیروی نظیر مجاهدین، در سنگ بنای آنچه که بعداً" به کمیتههای انقلاب تغییر موقعیت داد، دخالت میداشت، بعداً" هم نمیشد نا دیدمانی گرفت و مورد تمهت و آزار قرارش داد.

بعداً هم هر چه فریاد زدم که روز رابوک و ایادی سیا و ساواک بغور کامل افشا" و معرفی میشوند، به هیچ جا نرسید. اینجا هم ساله برای ما معرفی یک یا چند فرد بخصوص نبود. بلکه مرزبندی میان انقلاب و ضد انقلاب و مفاهیم و عملگرهائی را، که از فراد انقلاب میرفت تا مخدوش بشود، مهم بود.

به این جملات بسیار الهامی توجه کنید: "... یک عده از مردم مبارزه را از آنجا شروع کردند و این عده در مملکت زیادند، و روزهای آخر افرادی که از زندان بیرون می آمدند مدت پنج هزار نفر بودند، و البته تا ۳۰ و ۴۰ هزار نفر هم نوشتند و حال فکر کنیم، این همه برنگار هستند و عدهای که آن موقع نبودند و حالا سرکار هستند، این ساله برای مردم سؤال انگیز می شود که، در آن روز که مبارزه این ماهیها را داشت و لازم بود مردم متعهد این جو را بگیرند. عدهای هم ما به گذاشتند و احیاناً به کار زاریمان درآوردند، جو را وقتش حاضر نشده اند. در همان وقت فرض بفرمایند که عده از فرصت استفاده میگردند و تحصیل زمزمی با حصول ثروت مینمودند، اما!" توجه نداشتند که الان شرایط زندگی در مملکت ما چه جور است، و یک سلمان چطور باید باشد این حکومت برای اسلام چقدر خطرناک است. ..."

... عرض کردم یکی از سائلی که برای مردم سؤال انگیز است اینکه زبندگان چه شدند؟ آیا اینها خائن بودند؟ اینها یکی در این مدت زیر فشار بودند، آیا اینها همه منحرف از مسیر مبارزه شده اند؟ پس نتیجه گرفته میشود که اینها منحرف نشده اند، بلکه یک دستبازی دست اندرکار شده اند که اینها مجبور به کنار رفتن شده اند. زیرا مبارزه ای که گمانی است که مبارزه کرده و خون داده اند. و اگر مبارزه را کسانتی شروع کنند که مبارزه را به بقبر می کشانند و ایجاد عدم رضایت در جامعه میکنند، یکی از چیزهایی است که مبارزه را از مسیر اصلی منحرف میکند و باعث نراغی می شود. ..."

بله، وقتی مزها در هم بریزد و مخدوش شود، خیلی طبیعی است که ضد انقلاب و انقلاب، قاعیدین و مجاهدین، مبارزین صدیق و منافقین، یکشنبه چایشان عوض شود.

دانشگاه و انقلاب (۸)

نیروهاییکه طالب وحدتند و نیروهاییکه اجباراًتن به وحدت میدهند

بقیماض صفحه اول

شرکت در مبارزه" ضد امپریالیستی است، به این ترتیب وقتی دشمن اصلی مشخص شد و میدان اصلی مبارزه تعیین گردید تمام نیروهای که توان و صلاحیت شرکت در این مبارزه را دارند، می توانند با برخورد صحیح و به وحدت در میدان عمل وتبر دست یابند.

آیا تشریفات و طبقات و نیروهای مختلف اجتماعی و صلاحیت آنها در مبارزه ضد امپریالیستی یکسان است؟ هرگز! همچنانکه بارها در همین نوشته ها اشاره کردیم درازمان مبارزه با بدلیل رشد سرمایه داری جهانی و رسیدن آن به نهایت رشد خود، کارگران که بیشترین ستم را در کشورهای تحت سلطه از حاکمیت سرمایه داری جهانی و وابستان آن یعنی سرمایه داری وابسته تحمل می کنند و بطور تاریخی خواستار زنی کامل برانند هستند در مورد مبارزه بر علیه امپریالیسم قرار دارند. سایر زحمتکاران بر حسب دست و وضع سنی که بر آنها روا می شود به این محور نزدیک یا از آنها دورند. به عبارت دیگر کارگران و دهقانان چون تا نفی کامل استعمار در میدان در حضور دارند اصل ترین نیرو در نیرو ضد امپریالیستی هستند.

درست همین دلیل در بین نیروهای اجتماعی، نیروهای ناغی و استعمار و در رأس آنها متعقدین به توحید ناب، اصل ترین نیروهای هستند که موفق خواهند شد، در مبارزه" ضد امپریالیستی پیش روند و سایر نیروها را نیز بر پایه" صلاحیت آنها در کنار خود، داشته باشند.

درکته" کسی بودن وحدت" کام دوم در دسترسی به شناخت علمی و اصولی از وحدت برخی افراد با نیروها بدلیل درک نکردن نسبت و وحدت، وقتی صحبت از وحدت با فلان نیرو در مبارزه" ضد امپریالیستی می شود نمی توانیم موضعی صحیح بکنیم، این گونه افراد باید توجه کنند که

ضد امپریالیستی را تشکیل دادند و مبارزات بی پایان خود را بر علیه امپریالیسم در همین چهارچوب ادامه داده و به پایان رسانند.

ولی بدون شک سایر نیروها که دارای صیغه های شرک الود و ارتجاعی هستند فقط آنگاه که عملاً" تهدید امپریالیسم را از نزدیک حس می کنند تن به وحدت می دهند و به مجرد اینکه قدری این تهدید مستقیم فروکش کرد، بلافاصله با عملکردهای ارتجاعی و تفرقه افکنانه خود وحدت را نفی می کنند و دیگر با سلاح و قلمهایشان از نشانه رفتن بطرف سایر نیروها برمی گردانند.

از طرف دیگر نیروهای مرتجع که هرچه بیشتر در حلقه "مبارزه" ضد امپریالیستی و حرکت خلق در این مسیر اصولی و تکاملی آنها را از گردونه خارج کرده و با آگاه شدن توده ها دیگر جایی چندانی برای آنها باقی نمی ماند، همیشه از افتادن همه جانبه" مبارزه به مسیر اصلی ضد امپریالیستی وحشت دارند. یعنی عملاً" علیرغم هراسانیتی نمی توانند عمیقاً" طالب وحدت باشند. ایست که این روزها می بینیم با وجود اینکه سازمان ما با پذیرفتن تمام ضوابط و در کمال فروتنی با وحدت طلبی عمیق در مبارزه" ضد امپریالیستی شرکت می کند.

به این ترتیب نیروهای انقلابی چون می خواهند تا پایان راه بروند و امپریالیسم را به پایا بیاورند داخلی اجتماعش کاملاً" از بین ببرد و می دانند که این راه صعب جز با کمک تمام افکار و طبقات ضد امپریالیست امکان پذیر نیست، بیش از همه بر وحدت اصولی افراد دارند و طالب وحدتند، آنها می دانند که بدون کمک گرفتن یک جبهه" واحد ضد امپریالیستی از نیروهای معتقد به مبارزه با امپریالیسم بعنوان دشمن اصلی، هرگز نمی توان بر امپریالیسم پیروز شد. به عبارت دیگر شکست دادن امپریالیسم از عهده" هیچیک از نیروها" بدنهائی، بر نمی آید این نیروها چون نفوس میمون وحدت را درک نمی کنند، و به صلاحیت نسبی نیروها اعتقاد دارند و احترام می گذارند هرگز با برداشتهای غیر اصولی مانند وحدت کلگی، یا با انحصار طلبی با ماقوله" وحدت بر خود نداشتند، با این کار طالب بودند در عمل هم می توانند به چنین خواستی جامه عمل بپوشانند.

نگاهی به تاریخ سوزناک مبارزه" ضد امپریالیستی خلفا نشان می دهد که همه آنها در هر مرحله از مبارزات خود جبهه" واحد

وحدت اصولی

همچنانکه قبلاً" در اشاره کردیم نیروهای اصل انقلابی که لاجاله باید منتقد به نفی استعمار باشند بدلیل

نیروهای اصل و انقلابی و در رأس آنها متعقدین به توحید ناب مسئول ترین نیرو در برابر حفظ وحدت اصولی

مقررات جدید در مورد سود ویژه کارگران ادامه قوانین ضد کارگری است

در نظام سرمایه داری چون روابط و مناسبات تولیدی بر اساس استثمار است هر کس که کار بیشتری انجام دهد (علیرغم دریافت مزد) بیشتر استثمار میشود

حدود ۶ ماه قبل در وزارت کار اقداماتی به منظور تهیه و تدوین طرحی برای حقوق کارگران صورت گرفت. تا بر اساس آن از افزایش حقوق کارگران در خود بخودی حقوق کارگران در این افزایش حقوق که مناسبات است حدودی در شرایط سخت زندگی کارگران محروم از تولید ثروت، نگرانی‌هایی را برای کارگران با سود آورده بود. از همان زمان سالود سود ویژه نیز در این وزارتخانه مطرح بود، زیرا کارگران و دستمزد کم، برای دریافت سود و برای سال ۸۵ تا ۸۶ میلگردند و با توجه به اینکه در مواردی حتی ماهی پرداخت آن به تأخیر افتاده بود. این سودی که از طرف کارگران، سرمایه‌داران را تحت فشار قرار میداد. لذا لازم بود هر چه زودتر راه حلی برای پایان دادن به اختلالات و درگیری‌ها پیدا شود. در این رابطه وزارت کار از استناد به کارفرمایان توصیه کرد که: دست به کاری نزنند تا کارگران را به اعتصاب و خورش نکنند. در مورد سود ویژه مناسبات کارگران و کارفرمایان می‌خواستند تا مانند سابق به پرداخت سود ویژه نمایند. وقتی اولین موج جدید درخواست سود ویژه بحکم دادستان، کارفرمایان که از طرف محافظت در دست تحت فشار قرار گرفته و مجبور به دادن سود بیشتری به کارگران شده بودند، از انتفاع هرگونه فرزندانی قطعی یا بوقت در این زمینه خودداری نمودند. قدرت در تعدادی از کارخانجات بدلیل قدرت نسبی و شورا حمایت کارگران، شورا موفق به دریافت مقدار سود ویژه شد. رفته رفته فشار کارگران و شوراهای منتخب آنها، برای گرفتن سود ویژه بیشتر نمود. در بعضی واحدهای تولیدی کارفرمایان تحت عنوان اینکه می‌خواهند سود ویژه را به خرید مواد اولیه اختصاص میدهند، نپرداختن سود ویژه را وسیله نگرانی خود می‌دانند اما بهر حال وزارت کار مجبور بود پاسخگوی خواست بحق کارگران باشد. و اینکه پس از گذشت ده ماه از قیام قهرمانانه خلق ما به سزای دولت، تقریباً همان لایحه سرزمین شده بود. وزارت کار توسط شورای انقلاب تصویب میشود. (طرحی که بر اساس قانون کار شانه‌های قانون سیم کردن کارگران در منابع کارگاهی که در سال ۸۱ توسط هیات وزیران در دوران تاریخ تدوین شده کارفرمایان تمام روابط طاغوفتی گذشته میباشد. (شورای واقعی باید حق نظارت بر تولید و خرید و فروش را داشته باشد تا بتواند مقدار سود واقعی را مشخص دهد.) با این وضعیت کارگران حق دارند از مطالب مستحق خود سزاوارانه سود ویژه کارگران که کمکی به نان بخور و نمیر میباشند تا کارگران زمینکنند نیز مناسبات و مناسباتی در این مورد، در صورتی که قرار گرفته باشد و یا اصولاً نپرداخته شود. برای رفع است از محرومیت از کارگران پیشینتی شود؟ این مسأله جانب توجه است که بجای پیشی گرفتن راه‌های اصلاحی تنها و تصویب قوانین در آینده، داده میشود و بدین ترتیب آنچه که مربوط به شرایط زندگی امروز کارگران است بهیچوجه مورد توجه قرار نمیگیرد. ضد کارگری گذشته لغو نمیگردد، بلکه لازم الاجرا هم باقی میماند.

۱- میزان تولید: طبق نظر کارشناس رسمی، تولید صنایع در ۳ ماه اول سال جاری ۲۸٪ نسبت به مدت مشابه سال ۸۴ کاهش نشان میدهد. با اینحال مقررات مصوب شورای انقلاب از تولید سال ۸۵ صحت کرده و آن را ملاک قرار میدهد. طبق آمار نمونه بانک مرکزی تمام رسته‌های تولیدی صنعتی دچار کاهش تولید شده‌اند. این کاهش در صنایع غذایی به میزان ۸٪، صنایع چرم و کاغذ و ماشین‌آلات و وسایل نقلی

از میان نام‌های کارگری، نام‌های دارم رایج به انحلال شورای شرکت فلور در آغازی: کار این شرکت انجام پروژه‌های مربوط به کارخانه‌های گاز مایع شماره ۹۰۰ و ۱۰۰۰ است و محل کار آن منطقه پازبان واقع در نواحی بین آغازی و گیسار میباشد. در حال حاضر هر دو کارخانه ۹۰۰ و ۱۰۰۰ به علت کارکنی و نطفه‌های امیرالیزم مدله انقلاب ایران از کار افتاده و دارای نواقص مهمی است. عده‌ای از کارکنان ایرانی (البته آنها را که اخراج شده‌اند) کار نگذارند و خدمات این شرکت تمام را به عهده دارند. این کارکنان از دستها قبل برای عمل مشکلات خود و نگذارند از سرمایه‌های که متعلق به تمامی مردم است، شورایی تشکیل دادند.

بانه‌های طاغوفتی، برای انحلال شوراهای مردمی شورای کارکنان شرکت فلور امروز (۸۴/۱۳) بعد از ظهر از طرف دادسرای انقلاب آغازی منحل شد. سود کارکنان که کمکی به نان بخور و نمیر میباشند تا کارگران زمینکنند نیز مناسبات و مناسباتی در این مورد، در صورتی که قرار گرفته باشد و یا اصولاً نپرداخته شود. برای رفع است از محرومیت از کارگران پیشینتی شود؟ این مسأله جانب توجه است که بجای پیشی گرفتن راه‌های اصلاحی تنها و تصویب قوانین در آینده، داده میشود و بدین ترتیب آنچه که مربوط به شرایط زندگی امروز کارگران است بهیچوجه مورد توجه قرار نمیگیرد. ضد کارگری گذشته لغو نمیگردد، بلکه لازم الاجرا هم باقی میماند.

قانون سیم کردن کارگران در سود کارخانجات، برنامه‌ای بمنظور استثمار بیشتر کارگران رژیم ضد خلقی و ضد کارگری شاه، به انواع حیله‌ها و سرچشم‌های دست‌ساز کارگران و زمینکنان شاهانه، سیم کردن کارگران در سود کارخانجات بود. با این روش کارفرمایان در آرزو دادن مقداری پول فشار بیشتری بر روی کارگر آورده و در حقیقت او را بیشتر استثمار میکنند چرا که در نظام سرمایه‌داری هر کس کار بیشتری بنماید بیشتر به استثمار

۲٪ و ... بوده است. حال با توجه به کاهش عمومی تولید در اکثر واحدها در سال جاری، آراء فانون جدید صحت گذاشتن و حتی تشدید قوانین ضد کارگری گنجه‌نیست یا بعد؟

طبق آمار، ۲۲٪ مواد اولیه صنایع وابسته به شرکت‌های امپریالیستی از خارج وارد میشود و از طرفی سرمایه‌داران وابسته یعنی کارگران داخلی امپریالیسم برای دردم گویند جنبش کارگران، به بهانه‌های گوناگون از ورود مواد اولیه جلوگیری میکنند تا کارخانجات را به کمترین تولید شدن رسانند. و این وسیله شورای کارخانجاتی را که توسط شورای کارکنان اداره میشود منحل نمایند، به امید اینکه نمایندگان جدیداً حاکمیت ضد کارگری خود را برقرار نمایند. با این وصف کاهش تولید را به حساب کارگران گذاشتن، جز پایمال نمودن حقوق آنها چیزی دیگری نیست. حتی خود صاحبان صنایع در اظهارات خود در مورد عمل کاهش تولید در وجه اول عدم وجود مواد اولیه نام برده‌اند و بعد به بومیست بد مالی خود اشاره کرده‌اند. عوامل این کاهش تولید بنظر صاحبان صنایع، به ترتیب عدم وجود مواد اولیه، بومیست بد مالی، و فقدان مدیریت، کمبود پرسنلی، و مسائل فنی، مشخص شده است. بنابراین چگونه میتوان کاهش تولید را که به اعتراض صاحبان صنایع، از ازل به چنگ افتاد و در حقیقت بطور عمده از کارکنی کارگران پان ناشی شده، از حیط کارگران می‌بینیم که قانون سیم شدن نشان میدهد. با اینحال مقررات مصوب شورای انقلاب از تولید سال ۸۵ صحت کرده و آن را ملاک قرار میدهد. طبق آمار نمونه بانک مرکزی تمام رسته‌های تولیدی صنعتی دچار کاهش تولید شده‌اند. این کاهش در صنایع غذایی به میزان ۸٪، صنایع چرم و کاغذ و ماشین‌آلات و وسایل نقلی

۱- میزان تولید: طبق نظر کارشناس رسمی، تولید صنایع در ۳ ماه اول سال جاری ۲۸٪ نسبت به مدت مشابه سال ۸۴ کاهش نشان میدهد. با اینحال مقررات مصوب شورای انقلاب از تولید سال ۸۵ صحت کرده و آن را ملاک قرار میدهد. طبق آمار نمونه بانک مرکزی تمام رسته‌های تولیدی صنعتی دچار کاهش تولید شده‌اند. این کاهش در صنایع غذایی به میزان ۸٪، صنایع چرم و کاغذ و ماشین‌آلات و وسایل نقلی

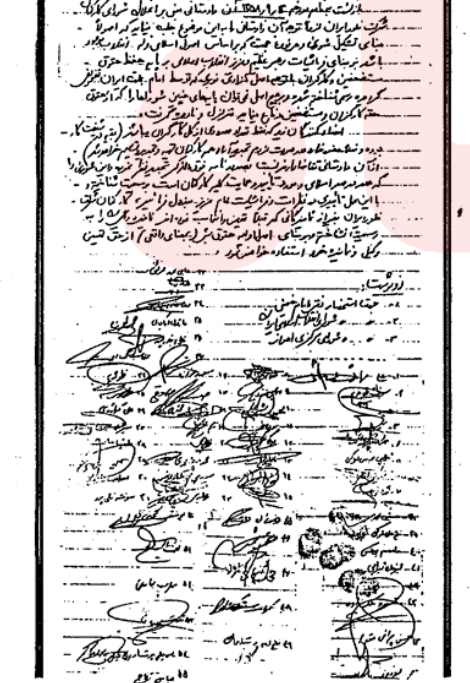
زیر پا گذاشته شدن اصل "شورا" در شرکت فلور

اگر قرار بود با خواست، کارها بشرف کند، شاه راه می‌کردیم.

های شورای مشاوران می‌نشاسد و عدمی که چه اندازه بد می‌نشدند و چه‌ایده‌ای بود که دولتی‌ها را در این امر اعلامیه ثابت نمیکند که اینها سلمان نیستند من آنها را تا به نیکم. اگر امروز یکی ریش گذاشت و فرما "دو سوره قرآن هم حفظ کرد که سلمان نیست"

کارگران زیر بار شورای فرمایشی نمی‌روند.

او به برادر کارگری که جواهرش است



وضعیت بیمه و حقوق کارگران در کارخانه قند نیشابور

"حقوق واقعی ما برآیند بیش از مزدی است که در اینجا به ما می‌دهند"

در پاسخ دعوت "مجاهد" از خوانندگان عزیز نشریه برای تهیه گزارش، و به ویژه گزارش‌های کارگری و روستایی، خواهر دانشموزی گزارشی در مورد کارخانه قند نیشابور برایمان فرستاده است.

نظر به تأکید بر ضرورت پیوند و آشنایی بین کارگران و روشنفکران مبارز و مسئول، همچنین بدلیل واقع بودن صمیمیتی که در گزارش این خواهران و برادران ما مشاهده می‌شود، فشرده گزارش را با اندکی تصحیح می‌آوریم.

در مجاهد هفته پیش خواندم، که خواهری از زندگی خود سخن می‌گوید. تیران گزارشی تهیه کرده بود و در آن وقتی که فرار بود با چغهای خاص کارخانه قند نیشابور بوم تصمصم گرفتند از وضع کارگران گزارشی تهیه کنم و برایتان بفرستم.

دلم می‌خواستم از کارگران بیروم آیا در جمهوری اسلامی آزادی دارند؟ آیا حقوقی که میگردند کافی زندگی‌شان را می‌دهد؟ آیا میتوانند از حق خود دفاع کنند؟ و آیا ...

وقتی می‌گفتم چرا بیمه نیستند؟ گفتند: برای ما بیمه ای که کسب می‌کنیم و حقوق ما را بپردازد بسیار ناچیز است. مگر آنجا که بیمه نیستند، ما را بیمه می‌کنند. وقتی می‌گفتم چرا بیمه نیستند؟ گفتند: برای ما بیمه ای که کسب می‌کنیم و حقوق ما را بپردازد بسیار ناچیز است. مگر آنجا که بیمه نیستند، ما را بیمه می‌کنند.

مفهوم زمان در تقویم پوسیدگی استثمارگران

وقتی که چغها سرگرم بازید از کارخانه بودند. من با یکی از دوستانم ۳۰۰۰۰ تومان را که در ذهن خود آماده کرده بودیم از کارگران پرسیدیم ولی متأسفانه آنقدر آزاد نبودند که بتوانند حرفشان را بزنند. طوری حرف می‌زدند و طوری اظهار رضایت می‌کردند که در عمق چشمان آنها ناراضی پدیدار بود.

وقتی که با یکی از برادران صحبت کردم، متوجه وضع اسفبار کارگران قهرمان وطنان شدم، زیرا

برادران، از این همه شهید نمی‌دانیم. شورای خواستی بخرد ما نمیخوردیم. حالا که خواستی شده خدا کند که نضیل شود. شما هم مطمئن باشید کارگران زیر بار شورای فرمایشی نمیروند. عاقبت کار هم دو نفر از کارکنان کارخانه کردند (که استادان را بهرمان گزارش میفرستیم) و کار بجای رسید. که اکثر کارکنان معتقدند، اینها با تنبیه کارگران و انحلال شورا آنها با نام امام به خود امام خمینی ضربه می‌زنند.

هزاره با این جریان کارکنان اعلام نمودند که تا پای جان از شورای خود دفاع میکنند. چون همه می‌دانستند که سیالاً تعطیلی بهانه‌ای برای نیست، و الا چطور ممکن است شورایی که از نزدیکان و وابستگان شرکت، بوسله کارشناسان خارجی این جلوگیری نموده و با قاطعیت در مقابل امثال ضد کارگری و ضد ملی‌پسندی کرده به این سادگی منحل شود. آئین در این شرایط که تب مبارزه، مدبران امپریالیستی داغ است. تازه وقتی کارگاهها همه وسایل و ماشین‌های سنگین، کارهای برق و ماشین آلات را می‌بهرند، همینجا که گذر آن شرایط سختی کرده و با بعضی شان همدست است. کارگاهها بودند امروز برای فروش می‌روند. از همه بهتر، مگر شورا بهترین نماینده و اساس و پایه جامعه سالم و انقلابی نیست؟ مگر نه اینکه واگذاری سرکوت مردم و بهیچوجه کارکنان به دست خودشان بهترین تضمین برای یک حکومت ملی و اسلامی است؟ و مگر راه مذاکره با شورای کارکنان شرکت فلور بسته بود که باین فوریت و کمپانی به بالا آشورا را منحل میکنند؟ از اینها گذشته خودشان می‌بینند که کارکنان رسمی شرکت نفت که با فلور فقط یک تور سیمی فاصله دارند پنجشنبه‌ها تعطیل هستند !!

جوانمردان جوانمرد ضمناً جوانمردان کارخانه نیز اعلام کرده‌اند که "حاضر به ایجابی نقش نیروی ویژه نیستیم و کاری به امور داخلی کارخانه نداشته و از اینکه کارکنان بخاطر گرفتن چیزی که حق خود می‌دانند اعتصاب کنند و با هر اقدام دیگر، عسکری‌علی نشان نمی‌دهیم و طایفه ما جنبش جلوگیری از نفوذ احتمالی مناسبت و عوامل امپریالیزم و ضدانقلاب است و مسائل دیگر ما مربوط نیست.

ما برای همه خواهران و برادران کارگر زمینکنان و مبارز این شرکت آرزوی مفاتح و موفقیت در مقابل توطئه‌های تضمین‌گامی‌نامیم.

فشار نه مانده‌های فتو دالیزم بر زحمتکشان روستاهای فارس

بگذار هر ظلمی که می‌خواهند بنمایند، بالاخره فریاد زنان و فرزندان روستائیان در بندگراه خود را می‌یابد و صاعقه‌های پر خروش مستضعفین چشمان خمار استثمارگران را می‌گشاید

(قسمت آخر)

در شماره قبل گوشه‌ای از ظلم و جنایت نه‌مانده‌های فتو دالیزم در منطقه فارس را آوردیم. دیدیم که چگونه بعد از اصلاحات ارضی کداهی فشار ناشی از استثمار بردن زحمتکشان روستای "سپستان" افزایش یافت. چگونگی سرکوب مبارزات و تصرف زمینهای روستائیان را تا بعد از سال ۵۱ نیز شاهد بودیم. اینک قسمت دوم گزارش:

روستائیان بعد از مبارزات بوده‌های شهری، محکم‌تر شده و بعد از برپوری قیام، مالکیت زمینهای روستای سپستان یعنی احقاق حق واقعی خود را تدارک می‌دیدند. در این راه پس زمینهای غصب شده خود را باز پس گرفته و به کاشت قوت روستایی خود (کود) پرداختند. ولی مالک ده خود کتف از اداره تعاون و امور روستاهای شیراز و سندی مبری نمی‌ترسیدند. روستائیان از زمینهای تحت تصرفشان می‌سازد. و از این پس با اعمال نفوذ در دادگاهها از رسیدگی به شکایات روستائیان جلوگیری می‌کند و نام پشت نام برای دولت می‌فرستد که زمینها "محقق قانونی وی" است. تجاوز کردن در این قبیل نامها شورای فرهنگ دادگستری نیز تکراری می‌شود و دولت و دادستان کل کشور می‌زنند.



دو نفر از روستائیان که چند هفته قبل اتفاق افتاد ۳ نفر از روستائیان کشته شدند. جریان از این قرار بود که بدینال اجساد اختلاف ارضی، بر سر سربند مقداری از زمینهای رعیتهای علی آباد به عوامل خود نفوذتاش، آنان را زوربوی مصلی شهر به محروم و مضوم شدن گروهی از محرومترین مردم علی آباد می‌شود. می‌سوی و پشندستی کرده به زانداربوری منطقه شکایت می‌کند تا برنده را در دادگاه سپهرستان که مستقیماً "زینفوذ آقای آزادی است" به جریان بندد. بلافاصله پس از احاطه این برنده به دادگاه مذکور جریان درگیری با شروع شدن عوامل خود نفوذتاش فیصله می‌یابد. دهقانان که دیدند بعد از خورد شدن حقشان، کنگ خورده و اینک نیز محکوم شده‌اند، عاصی می‌شوند و اعلام می‌کنند: آنچه به زور گرفته شده تنها با زور پس گرفته می‌شود! از اینجا نزاع دیگری شروع می‌شود که منجر به کشته شدن ۳ نفر از طرفین و دستگیری عده‌ای از روستائیان می‌گردد.

پس از آن پشندستی از روستائیانی که هنوز در روستا نرسد دستگیر است. البته سیدعلی محمد دستگیر رفته، ماجرا را برای ایشان بازگو می‌کند و از ایشان می‌خواهد که به منطقه آمده و از نزدیک جنایات و ظلمی که توسط فتوادالها بر آنها رفته ببینند. البته سیدعلی محمد دستگیر بعد از بازدیدی که از منطقه به عمل می‌آورد در نامه‌ای به امام می‌نویسد که عامل تمام ستمهای ما که به روستائیان می‌رود فتوادالهای منطقه هستند. مسافتی فرسودگی و رسیدگی می‌گویی این ساله دیگر از تطریق پیش نمی‌آید.

فتوادالها، تضادهای آشنی ناپذیرشان و اباروستائیان، ناشی از یک اشتباه در فلان سند می‌دانند، نه ظلم تاریخی خودشان

به عمل می‌آورد در نامه‌ای به امام می‌نویسد که عامل تمام ستمهای ما که به روستائیان می‌رود فتوادالهای منطقه هستند. مسافتی فرسودگی و رسیدگی می‌گویی این ساله دیگر از تطریق پیش نمی‌آید.



جمهوری اسلامی ایران که چند روز پیش به تصویب شورای انقلاب رسیده است به صراحت تأکید شده است و اشخاص و برآمده‌ای که مغایر این اصول اقداماتی نمایند مشمول خواهند بود. در مجموع این جریانات از قدرت فتوادالها در منطقه و پشت جنبه محکمان در دولت نیز حکایت می‌کند. روستائیان زحمتکش که در زندان بودند به پیوسته در فکر خانه‌های خراب شده، محصول روی زمین مانده و زن و فرزندان آواره‌شان بسر می‌بردند. فتوادالها هم می‌دانستند که روستائیان در انتظار رسیدگی به محصول و تنهایی دارایی افسالشان برای آزادی از زندان به چاره جویی افتاده‌اند. لذا با توقف کامل به این مسئله توسط عمال خود در دادگستری به زندانیان می‌رسانند که: "شما درجه‌ها بعنوان ضد انقلاب شسته شده‌اید لذا برای اینکه آزادتان کنیم و از شر مارک ضدانقلابی خلاص شوید بایستی اعتراف کنید که حقی بر روی زمینها ندارید و آنچه تا کنون کرده‌اید اشتباه بوده است.

زحمتکشان زندانی بخاطر ترس از شایعه ضد انقلابی بودنشان و پای چنین اعتراف نامهای را که به آنها دیکته می‌شود انکت می‌زنند. فتوادال مذکور در قسمتی از باصلاح اعتراف نامه دهقانان آورده است که: اگرچه ضمن همان سند (سند سال ۵۱) در دوجای دیگر مساحت صحیح قطعه زمین ۳۸/۵ هکتار نوشته شده است میباید...

بیام تهیست مجاهدین خلق ایران به بقیه زلفه اول برادران قهرمان پاسدار

"به تمامی فتوادالها و زمین خواران ایران و بخصوص خوزستان که مورد واگذاری زمینهای تصاحب شده به کشاورزان مستضعف شدیدا" "خطار می‌کنیم و به همه آنان اعلام می‌کنیم که برای مالکیت ارضی شما که در زمان رژیم فاسد گذشته تصحیح شده خود شخصاً بروی آن کار می‌کنند. ما برادران کشاورز خود در خوزستان اعلام می‌کنیم که می‌توانند زمینهای بی‌برای راگردد تصرف فتوادالهاست تصرف گروهی را استفاده از تقسیم صحیح زمینها بین خود به گشت و زنج برآوردند و "صفا" اعلام می‌داریم در صورتیکه فتوادالها لزوم بزرگ در سر راه شما برادران کلاه مانع شدند و خواستند جلوی گشت و زنج شما را به هر سراه بگیرند، می‌توانید با قدرت با آنان مقابله کنید و بدانید برادران پاسدار شما در همه حال پشت سر شما هستند."

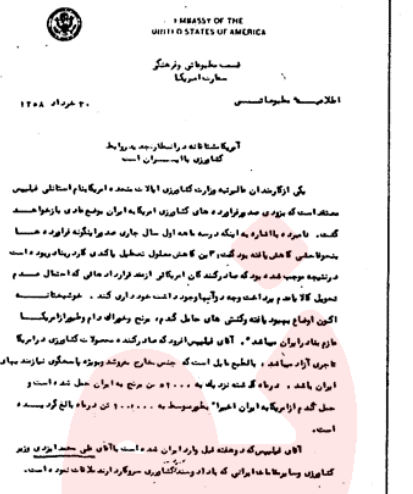
و بدین ترتیب چهره پاسداران راستین انقلاب در حمایت از مستضعفین دهقان و کارگر آشکار شده و می‌رود تا قطعاً جانی برای ستم ارضی پائی نگذارد ستمی که منشا بسیاری از درگیریها و مشکلاتی بوده است که بسیاری از مردم مناطق محروم کشور ما پس از انقلاب، به آن مواجهه خواهند. جای آن دارد که به خاطر داشتن چنین پاسداران رزمنده" انقلابی به امام عینی نیز تهیست بگوییم.

تا بود یاد هرگونه ستم ارضی سلام بر پاسداران انقلابی مجاهدین خلق ایران

خانوار دهقان و هراخوانی ۶ نفر ماطله (بطنیسی) جمیوما ۷۷۲ هکتار زمین برسد یعنی به هر ۶ نفر به اندازه ۱۶۰ هکتار، ولی چرا آقای آزادی به همان قانون منحل دوم اصلاحات ارضی استناد نمی‌کند که با یک حساب سرانگشت می‌گوید: باید به زارمین ۳۰۰ هکتار یعنی ۱۶۰ هکتار زمین برسد. نه ۷۷ هکتار یا ۱۱۶/۵ هکتار. نیکند این قسمت از قانون اصلاحات ارضی اطلایمی بوده! و تا اینکه ایشان ادعا دارند حدیث گزریر لکزارع ولوگان قاصص" (زمین از آن کسی است که روی آن کاری کند اگرچه قسمی باشد) را اینکه در عمل پیاده می‌کنند.

آمریکا مشتاقانه در انتظار تجدید روابط کشاورزی با ایران

ایالات متحده آمریکا مشتاقانه در انتظار تجدید روابط کشاورزی با ایران است.



ایالات متحده آمریکا مشتاقانه در انتظار تجدید روابط کشاورزی با ایران است. این امر به نفع هر دو طرف خواهد بود و به بهبود روابط بین دو کشور منتهی خواهد شد.

اطلاعیه آمریکا که فوقاً فرهنگی سفارت فستک مطبوعاتی فرهنکی سفارت فستک مطبوعاتی آمده این نکات را روشن می‌سازد سه ماه بعد از قیام خونیست مهمن ماه "آمریکا مشتاقانه در انتظار تجدید روابط کشاورزی با ایران است" بعلیست کارمند عالی‌رتبه آمریکائی معتقد است "زودی صدور فرآوردههای کشاورزی آمریکا به ایران" بوضع عادی باز می‌گردد... اطلاعاتی که فستک مطبوعاتی فرهنکی سفارت فستک مطبوعاتی مقامات ایرانی اقرارات نمود. راستی چرا آمریکا مشتاقانه در انتظار تجدید روابط کشاورزی با ایران است؟ آیا دلش بجان خانواده‌ها که شهدائی که با سلاحهای او به خون کشیده شده‌اند سوخته؟ آیا می‌خواهد وابستگی اقتصادی و آوارگی روستائیان را که از خود عامل بوجود آورده آن است از بین ببرد؟ از طرف دیگر در شرایطی که سنای آمریکا رای به محکومیت ایران و طرفداری از آزادی رژیم شاه و سهولت‌های داده در روزهای کنفرانس رهبر انقلاب و تمامی مردم علیه آمریکا چنانکار بلند است و شرایطی که زحمتکشان روستا آمادگی خود را برای بالا بردن تولید داخلی اعلام داشته‌اند، و آوردن به آمریکا جلب رضایت خاطر مشتاق امپریالیستها چه معنی می‌دهد. فاستک مطبوعاتی با اولی الامر "آنها رژیم آریامها با وارد کردن مواد غذایی از خارج توانست مشکلی که از مردم حل کند. لاتصرف زمینها و سرکوب کشاورزان" گزارش روستائی همین هفته مجاهد، از ورود تولیدات کشاورزی امپریالیستی میبنداد راهکشی این مشکل باشد؟ آیا راه حل انقلابی حمایت از تولید کنندگان داخلی است یا وارد کردن کالاهای آمریکائی؟ سند فوق گویای راه حلی است که آقای وزیر کشاورزی انتخاب نمود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود: است اینست که: برای ما علمیم سفارتات مکرر امام مینی بر تلاش در جهت ایجاد یک کشاورزی مستقل بازم آقای آزادی (وزیر سابق کشاورزی) می‌گوید که همچنان کشاورزی ما را منکی بوارند امپریالیستی بگذارند در شرایطی که خلق قهرمان ما با ۵ روز روزه خد امپریالیستی نشان داد که شرایط دشوار اقتصادی و گرسنگی را تحمل می‌کند، اما وابستگی را هرگز، کسانی که صحبت از رابطه و فرار داد بستی با امپریالیزم جهانیست آمریکا می‌نمایند چنگانی هستند ۱۱؟؟

به حقایقی که در میان مردم شایع است بی توجه نباشید.

باینهمه تکیه امام بر پیوند انقلاب فلسطین و ایران، چرا تهداد دول اسلحه را به فلسطینیها نمی‌فکند؟

جالب است که می‌بینیم ردهای توطئه امپریالیزم و اهادی وابستگان در جنگ کردستان (میز ایران و عراق) تا کجاها بافت می‌شود. و در مقابل جهاد انقلابیون جان بر کف را از همان روزهای اول بعد از برپوری به صراحت مشاهده می‌کنیم. ردهای توطئه که اگر از طرف مسئولین مورد توجه قرار میگرفت، امروز خیلی از مسائل مشکل دیگری داشت.

آقای سخنگوی سابق دولت، اما اینها فقط قسمتی از بازه‌ها - شهبای آقای اسیر انتقام به عنوان سخنگوی دولت انقلابی بودند! ابود، ایشان از فرارهای روستائی و دهقانان با آمریکا و از بین بردن سوه، نگاهت بین ایران و آمریکا، و در زمینه‌های دیگر نیز بی‌تفاوت و سخنانی داشته. حمله در اطلاعات ۲/۲ از قول سخنگوی دولت میخوانیم: اما امپدورال که از آن بین برود و دولت سوه تاخام ها از بین برود و دولت

نصیح من حور قصه الدماء، ونصح منه الموارت. فریاد خونبیا نمانحی ریخته شده خلق و آرزهای انقلابی بخاطر احکام ظالمانه آنها بلند است... (۱۷ بهیلا اعلامه کلام ۱۷)

مردم و مجاهدین

شهادت، زندان، شکنجه، اخراج از کارخانه و فحش شنیدن...

همه‌بهای مبارزه حق طلبانه است که ما آغاز کرده‌ایم

وضع ارتش فرقی نکرده است... باید دانست که رشد و پیروزی یک انقلاب محصول کلیه تلاشهای کوچک و بزرگی است که تک تک افراد انجام می‌دهند، هرگز نباید به کارهای خود ولو هر قدر کوچک‌تر بهاد.

بسم الله الرحمن الرحیم

دور دستا بجزان را درین سطر بنمایم (م)

مشاور ما در این باره در این سطر بنمایم (م)

دست ما در این باره در این سطر بنمایم (م)

توانی که در این سطر بنمایم (م)

کسی که در این سطر بنمایم (م)

گرت نشد در اسلام برای آنچه خدا خواهد

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

بدون شرح!

خواهران و برادران عزیز: قبل از پرداختن به نامه‌ها تذکری را یادآوری می‌نمایم. تذکراتی در مورد نشر دادن پول جهت آیه‌ها شدن نشسته است. تعدادی از خواهران و برادران برپایان پول می‌فرستند و می‌خواهند که نشتر را برپایان بپست کنیم. با توجه به تراکم کارها و محدودیت‌های خاصی که دست و پاگیران هست چنین امکانی را نداریم. لذا از شما خواهش می‌کنیم که از طرق دیگر به فکر تهیه نشتر باشید.

اما نامه‌ها... برادر کارگری بنام ع. ب. که دو سال در دفتر شرکت نخبین کار می‌کند و اکنون دانش آموز میباشد برای ما نوشته: که چگونه او و برادر دیگری را بخاطر تبلیغ سازمان از کار بیگار کرده‌اند و اوقات فراغی که هم چنانکه در گذشته عده‌ای به زندان افتاده یا شهید شدند این برادر نیز بجرم طرفداری از حق از کارخانه اخراج می‌گردد. و این ناپسند است که کمبودهای گزارش ما آغاز کرده‌ایم. این برادر کارگری از سرمایه‌های کلان صاحبان کارخانه و رابطه این سرمایه‌داران با کمینهای که کارگران مبارز زنجیر را در خود نگاه می‌دارد و دستگیری قرار داده بودند نوشته است که کمبودهای گزارش ما را از کارخانه زمین (مجاهد شماره ۱۲) جبران نمود. در پایان نامه چندی آمده است که به واقع اشک شوق و مسئولیت را از چشمانمان جاری ساخت: من قسم از نظر مالی خیلی عقب افتاده هستیم و این را باید قبول

در شماره قبل راجع به تهیه‌ها و فحشهای علیه سازمان نوشته است: در طلعه ای مبارزه ضد امپریالیستی خلقان، ارتجاع و امپریالیزم بیگار نشسته و دست به توطئه و ناپسندیدگی می‌زند. برای درک این توطئه‌ها چند نکته را یادآوری کردیم. اول اینکه: باید دید که این گونه نوشته‌ها چه مواضع فکری و طبقاتی برخوردار می‌باشد. در صورت عدم درک این مسئله درد و دردی عود می‌باید این با آن عروسک ارتجاع از نوع اصل باقی مانده، چرا که ارتجاع ذاتی به توطئه می‌زند و تلاش می‌کند تا ما را در جزئیات بگهگدشته و از پرداختن به کارهای اصولی بازدارد.

نکته دوم اینکه برای شناختن مشخصات این توطئه، تخاصم را شناختن او باید چند مثال روشن کردیم که اساساً درک ماهیت یک دعوا بدون شناخت زمینه دعوا امکان پذیر نیست و اینک دنباله مطالب:

از مطالبی که گذشت چنین نتیجه می‌گیریم: اگر در برخورد با مسائل چارچوب فکری درست نداشته باشیم، اولاً سرزنش متوجهمان چیزی جز افتادن در خورده‌کاری نمی‌باشد. ثانیاً در شرایطی که امپریالیزم از تجارب ضد انقلابی فرزان برخوردار است، اسیر توطئه‌های شیطانی او خواهیم شد. امپریالیزم و ایادی توطئه‌گرش شب و روز علیه انقلاب خلقها توطئه می‌کنند. ناپسندی انقلاب و سرکشی آن، در این مرحله از دستگیری همان سیاست ارتجاعی امپریالیستی (تفرقه‌پیمایی) و حکومت (کن میسر می‌شود. این تفرقه‌اندازی در درون یک انقلاب از طریق ایجاد شکاف و تضاد بین نیروهای رادیکال و انقلابی از یکطرف و بقیه نیروها از طرف دیگر عام عمل می‌باشد. روزی به مبارزه این حمله می‌کنند. زمانی آنها را تحت عنوان جاسوس اسیر و شکنجه و زندانی می‌نمایند و گاهی هم دزد و ... می‌خوانند تا زمینه‌ها و چنگال را برای نیروهای ارتجاعی فراهم ساخته و صفوف متحد خلق را پاره‌پاره نمایند.

مانند هر روزی که میدانیم در مبارزه زمان و انرژی دو عامل مهم و مؤثر در پیروزی این فشار می‌باشد. اگر مطابق خواست امپریالیزم و ارتجاع، درگیر جواب دادن به شایعات آنها گردیم در واقع این دو عامل مهم را از دست داده‌ایم زیرا اولاً زمانهای بسیار ذیقیمتی را که با یستی در مبارزه با امپریالیزم استفاده می‌شود از دست داده‌ایم، ثانیاً

مگر صدها ساواکی انقلابی شده!! و انقلابی‌ها می‌آیند از خارج وارد شده و مجاهدین را به بدوران رسیده و می‌نویسند ایدئولوژی، بلکه قربان‌گو، هم در مقابل آنها قرارداد می‌بندند که علیه آنها به تهمت می‌زنند، مگر دستگیری آنها را متوقف نکردند و گرفته شده‌ها را آزاد

عروسکهای کوکی ارتجاع (۲)

تضادها با هر تعجب‌کن یک تضاد تاریخی است با تمام ابعادش، جنگی است بین نیروهای خواهان استثمار و نیروهای نفی کننده هر نوع بهره‌کشی انسان از انسان.

« بگذارید ما را متهم کنند، هر برجسبی می‌خواهند بزنند، حقیقت سرانجام برای توده‌های مردم روشن خواهد شد. »

مجاهد شهید مصطفی خوشدل

ننودند، مگر خیلی از کله‌گنده‌ها فراری ندادند؟... اموال، ساختمانها، ماشینهای گرانقیمت و... صادره شده از عوامل طغیان کجاست؟ تا بحال با کور اتفاق افتاده که به فراد دیگری غیر از نیروهای انقلابی مگر زدی بزنند؟ چطور شد، آنها که تا دیروز میلیاردها دلار از بیت‌المال خلق منصفان داشتند، می‌دزدیدند این بیت‌المال را؟! و انقلابیون جان برکفی که از قدیم در تک داشتند در طبقه کارکنان، تقدیم خلق می‌کردند، دزد و غارتگر شدند؟ از عوامل رژیم آمارگری کرده و تحقیق نموده‌اند که کجاست دست چه کسانی می‌باشد؟ ساختنهای عوامل طاغوت را چه افرادی تصاحب نموده‌اند؟ ماشینهای گرانقیمت و آخرین سیستم و دستگاه‌ها را چه کسانی سوار می‌شوند؟ طلا و جواهرات سلطنتی و دربار تصیب چه کسی شده؟... چرا از اینها صحبتی به میان نمی‌آید؟ معلوم است در درجه اول باید مجاهدین این نیروهای انقلابی و سازش‌ناپذیر و قاطع را کوبید، نه هیپالکی‌های خودشان راه

چند تا کتاب نوشته‌اید؟ در حالی که مجاهدین زیر شکنجه و فشارها و حداقل اگنان تا کنون که ۱۰ ماه از پیروزی انقلاب گذشته، دهها کتاب و جزوه منتشر کرده‌اند. یعنی بطور متوسط بیش از هفته‌ای یک کتاب یا جزوه، شما در این مدت چکار کرده‌اید؟ جز ریدپوسی و فحش و فحش کاری و بسج جفاقتان و باصطلاح (حرب‌اللهی)‌ها کاری دیگر انجام داده‌اید؟ اگر چه که در کوتاه مدت با سنگ گرفتن پشت اسلامی که ندارید و امام (که مقدر نشدند) عده‌ای تا راه از دور خود جمع نمایند، در از مدت انتظار داشته‌اید که مردم شما خوشین شده و جذباتی بشوند. می‌باید، اگر شما که بخاطر خدا و مردم کار نمی‌کنید، تا توانایی مردی را داشته‌باشید، برای شما اصل مانتفا است نه خدا، نه پیغمبر، نه ایدئولوژی، نه مردم. مگر آنها که علی (ع) را کین و سب می‌کردند، بخاطر مسلمان نبودن یا نواز نخواندن علی بود یا اینکه علی (ع) می‌گفت خدا دوست است؟ یا...؟ مسلماً که به این خاطر نبود، چرا که معاویه اساساً اعتقادی به اسلام نداشت و اگر نماز نیز می‌خواند تنها به خاطر فریب مردم و حفظ منافذ بود. پس اگر علی با حکومت معاویه در شام مخالفت نمی‌کرد، معاویه به علی تهمت می‌زد یا به جنگ می‌آمد؟ حالا هم اگر مجاهدین بر فرض محال منافع مرتجعین را بخاطر نمی‌دانند، این اسلام پناهگاه! باز هم علیه مجاهدین حرفی می‌زنند؟ یا اگر اینها رشک فری می‌زند از آنها می‌دیند، مثل همبالی‌هایشان آنرا مات‌مالی کرده و بر آن سربوش می‌گردند؟ لابد در اینجا این سؤال پیش می‌آید که برخی از دستجاتی که علیه مجاهدین موضع‌گیری می‌کنند، آرتیان، هم وابسته به خارج و امپریالیزم نیستند. این درست، این مسئله مهم اینجاست که گرداندن آن و هیبران اینها در سطح با چطور؟ آنها به کجا وابسته‌اند، کجای خیمه‌ها نشناخته و کجا برای داخل خیمه‌ها آمده‌اند و شاره‌های آنها را عوض کرده و آنها را برای حمله به اینجا بجا می‌کشند، برای تظاهرات علیه سادات رنجه‌ها و ساواکیها را بسج نکردند؟ مگر به نفع از آنها روزانه ۱۸۰ تومان و برای حمله به ستاد مجاهدین در سامت‌های ۲ - ۱۲ نیمه شب، ۶۰ تومان نمی‌دادند، مگر عسکری که نمونه آن را در درشهری هفتقه قبل مشاهده کردیم، کمیته مستقر در سارت آمریکا چرا منحل

بقیه در صفحه ۱

گفتم که نتایج تهاجمات دست راستی به نیروهای انقلابی در قدم اول با پیش گیری تهمت و دروغ و پیدا کردن جهت‌های به منظور تحریک افکار ناآگاه و مشروع جلوه دادن حمله و تجاوز آغاز می‌شود. رژیم ضد خلقی شاه در این مورد از تهاجمات وسیعی برخوردار بود و برای اثار انقلابیون کوردل استفاده را با تهاجمات ناگهانی بعمل می‌آورد. مثلا هرگاه یک خانه تپتی و پایگاه چریکی در محاصره دست راستی بود، از آنجا که بلافاصله به اسبابها می‌گفتند که "درد گرفتارم! یا با تحت عنوان "جستجو برای کشف مواد مخدر" و دستگیری عده‌ای "چاقاچی" و بر روی حلات وحشیانه فاشیستی اقدام می‌رسانید خود سربش می‌گذاشتند. هدف از این تاکتیک این بود که مردم را فریب دهند و از همکاری با انقلابیون، علیه نیروهای ساواک جلوگیری کنند. البته انقلابیون نیز در این مواقع طیفی داشتند که با دادن شعارهای سیاسی و "الکلیک" مردم را توجیه و اطمینان آن نموده و حمله‌گری مأموران را خنثی سازند. در حلات دست راستی‌ها نیز، از آنجا که برای اسباب شواده و توجیه‌های مکرر دست عناصر مشکوک و بقایای ساواک در آنها مشاهده می‌کردند و از آنجا که راست گرایان و مشخصا عقب مانده‌ترین جناح‌های شخص ارتجاع هیچ ابایی از استفاده از این شوها و حتی همکاری با نیروی‌ها می‌نمودند (که بزعم آنها بی‌سند بودند) ساواک در خدمت جمهوری اسلامی درآمده‌اند! ندارند گاه این اعمال را نشانه قدرت خود و مایه افتخار هم می‌دانند.

به یک نمونه که همین چند روز پیش در جلوی مقر سابق آمریکا برای یکی از هواداران سازمان اتحاق اتقاد کشته شد. این برادر در نامه خود نوشته است: "ساعت ۱۰/۵ شب عود جلوی مقرات ضمن فروش جزوات مخالف سازمان، شعارهایی بر اندام می‌دادند. یکی از این افراد مردم را به درد خورد جمع کرد و شایعات دروغی را بین آنها انتشار می‌داد. من که در کنار جمعیت ایستادم، مردم سعی کردم دروغ‌های او را برملا کنم. گویان یک نفر به طرف آمد و بی دستم را گرفت و به پشت پیچاند. در همان لحظه دو نفر مسلح نیز سرسپردند و مرا به داخل ماشین کشت کشته بردند. وقتی ماشین به پشت سفارت پیچیده، فرمانده آنها ماشین را خاموش کرد و شروع به ضرب و شتم و پیچاندن به دستم نمود. بطوری که از حال رفتن، اما این ضمن اینکه مرا می‌زدند مرتب علیه سازمان و بخصوص برادر مجاهد سمود رجوی فحش و ناسزا می‌دادند تا من سرسپردم چکاره هستی؟ گفتند کارمند. سپس آدرس منزل و محل کارم را خواستند گفتند بایستی محل کارم را به ما نشان بدهی تا آنجا را تفتیش کنیم. من آنها را به محل کارم بردم. یکی از افراد مسلح در بین راه به من گفت: تو اگر کارم را نشان بدهی چرا جلوی سفارت آمده‌ای؟ تو باید این وقت شب خوابیده باشی! و چند فحش و تهرین دیگر به سازمان می‌دادند. وقتی ماشین به محل کارم رسید... در داخل آن نگه‌داشته و معاون فرمانده که بیسیم می‌نمود به ما محل کارم رفت و شروع به صحبت برای کارگران انجام نمود. در ضمن صحبت‌هاش گفته بود که همکار شما یک فرد ضدانقلاب بوده که می‌خواست در جلوی سفارت با نارنجک به مردم حمله کند! حالا ما او را دستگیر کرده‌ایم و اینجا آمده‌ایم که بیسیم این شخص در اینجا هم رفتار ضد انقلابی داشته‌است تا خبر ۱۱/۵...

آیا حمله مسلحانه به کتابخانه مسجد هم توجیه پذیر است؟

بدون شک پاسداران زحمتکش و شرافتمندی هم هستند که حاضر به اجرای دسایس ولید عوامل ارتجاع وساواک نبوده و نیستند

نیز سخن از "خط امام" است! واقعا خدمت به دین می‌کنند یا اسلام‌های ناآگاه هستند یا آلت دست...



خط سیاست آمریکا و تهاجمی داخلی‌اش می‌باشد، بحساب خط مشی ضد آمریکائی امام خمینی گذاشت اما توجیهی از آن بالاتر به امام و خلقی که امام را تئیلور فریاد قحط‌طلبانه ضد امپریالیستی خویش می‌نمودند؟ تصور هست؟ آیا کسانیکه بنام امام دست به چنین اعمالی می‌زدند بزرگترین ضربه را به حیثیت سیاسی امام وارد نمی‌سازند؟ اجازه بدهید نمونه دیگری از اقدامات درخشان او در عین این زمانه را که به نام خط امام "بدر طالقانی" را نیز از حلات فریاد خرد مومن ندانند. عینا از اطلاعات ۱۸ آذرماه نقل کنیم:

حمله به کتابفروشی «مکتب السادات»

گروهی ناشناس به کتیب فروشی «مکتب السادات متعلق به آقای محمد باقر زمانیه پوره واقع در خیابان خراسان ابتدای حلقه حاکم‌مسئولان و در پرتین ایسن و کتیب‌ها را زخمی کردند. در کتیب‌ها با چند تن از اهالی این‌خیابان تفتیش کردند: اینکرام کتابهای مذهبی، کتب حاشی، کتب فقهی، کتب تاریخی، کتب فلسفی، کتب علمی و کتب دیگر را از آنجا بردند. در این حمله سادات را زخمی کردند و در این حمله نیز که با تیراندازی هوایی و زنی و ضرب و جرح خواران و برادران مسئول کتابخانه و بازداشت برخی از آنها و شکست زدن و پنجره و... همراه بود. طراحان فاشیست آن از قبل بهانه‌های لازم آماده ساخته و حتی پاسداران را نیز متحرک کرده بودند پاسداران اظهار می‌داشتند که به ما گفته‌اند در این کتابخانه فعالیت‌های ضد اسلامی و اعمال خلاف اخلاق صورت می‌گیرد. سپس افراد مسلح دیگری از طرف کتیب منطقه ۹ به قصد همکاری با مهاجمین وارد محل می‌شوند که اقدامات خود را تحت عنوان "قرارداری نظم" توجیه می‌نمایند. کتیب‌ها که خواهان و برادران مسئول کتابخانه علان این تحرکات را از مسئولین ستاد می‌کنند جواب می‌شوند که: "ما با اطلاع داده‌ایم که در مقابل مسجد زده خوردی صورت گرفته و پاسخ دادیم از برای کنترل فرستادیم" آنکه پس از شکست مهاجمین پنجره کتابخانه را شکسته و وارد آن می‌شوند بلافاصله شروع به پیش آن می‌نمایند که "این کتابخانه حاوی کتیبها و کتابهای خلاف اسلام و اخلاق بوده و در آن تبلیغات کمونیستی انجام می‌گردد است! دانش تبلیغات و شایعات کذب به همین جا خاتمه نمی‌یابد. طراحان می‌پندند "بدر طوره" آنها را که "خواران خرد" قاضی می‌کرد (سخنرانی فیضیه) و در یکی از خطبه‌های نماز جمعه درباره آن فرمود: آن کسی که آن دستهای که بنام دین به گروه‌های حمله می‌کند، به جوامع آنها، مکتب سخنرانی آنها، کتابخانه‌های بعضی از گروه‌ها را مورد حمله

نهایتی تصور کرده‌اند که در توجیه و فرمایشات نظیر نیکان این اقدام به نایب‌ترین مکتب‌های مکتب‌ها می‌توانند و در این حمله به نایب‌ترین مکتب‌ها می‌توانند و در این حمله به نایب‌ترین مکتب‌ها می‌توانند و در این حمله به نایب‌ترین مکتب‌ها می‌توانند...

مردمی برادران پاسداران در خوزستان اشاره کنیم که موضع گیری فاطم خود، بر علیه زین‌العابدین و مالکین بزرگ و حمایت از دهقانان رنجور و محروم بحق‌المرتبت نمونه رفتار انقلابی و الکوی راستین و اسلامی پاسدار انقلاب را به نمایش گذاشتند. با وجود چنین نوسه‌های بهائیکه این نسبت که پاسدار حققتا انقلابی در هر شرایطی قادر است دشمن را از دوست خوبی تشخیص داده و سلاجاتی را در جهت مبارزه با دشمن بکار گیرد؟ در این صورت چه کسانیکه برادران پاسدار را در اینجا و آنجا، به نفع کارفرما با فئودال روردری کارگران مبارز و کشاورزان زحمتکش قرار می‌دهند؟

در خانه لازم است پاسداران زحمتکش و شرافتمندی را که حاضر نیستند وسیله اجرای دسایس ولید عوامل ارتجاع و ساواک قرار گیرند مخاطب قرارداده و به این برادران بگوئیم: آیا حمله مسلحانه به یک کتابخانه مسجد آنها در شب و ضرب و جرح خواران و برادران مسلمان شما توجیه پذیر است؟ آیا چنین اعمالی شما "خط امام" می‌گردد؟ آیا چنانکه شما هیچ‌کدام از ابی‌سادی ساواک و رژیم سابق و یا سرمایه‌داران فراری را می‌رود و موم ساخته‌اند که حلال یک کتابخانه اسلامی را پس از اشغال آن می‌رود می‌کنند؟ آیا شرف‌های خود را به دست خود فروخته‌اند و حلات فریاد زنی با برادران روستاهای رستاهای سابق که تا ما در جهت ایجاد نفایق و عوامل فتنه‌انحراف مبارزه از سمت اصلی می‌مانند خبر از رخنه عناصر مشکوک در صفوف شما نمی‌دهند؟ آیا با مشاهده حركات سازمان یافته‌ای نظیر حلات اخیر می‌توانید مطمئن باشید که ریشه امتثال مهدی رغبی و شکهای سی که بوجود آورده بود بگلی زده‌ده و دیگر از توطئه و نقایذی که این ارگانها خبری نخواهد بود؟ از این عناصر خائن دهنی غیر از برآمدن خائن جنگ داخلی و تشدید نفوذ میان مردم را عقیب می‌نمودند؟ هیچ فکر کرده‌اید توسط این عناصر فریب‌گری می‌گردد چگونه باید برخورد کرد؟

قبل از هر چیز منبع بخش خیرخواه بشناسید، سپس بر روی آن اقدام نمائید. در اینجا بی‌تابیست نسبت که بار دیگر به اقدام انقلابی و اسلامی و خواهد بود.

دانشگاه و انقلاب (۸)

نیروهایکه طالب وحدت‌تند و نیروهایکه اجبارا به وحدت تن می‌دهند

اصولی و ضد امپریالیستی و فداکاری بخاطر آن می‌پردازیم. درست در همین جا به تفاوت کیفی نیروهای که واقعا "عق مکتبی دارند و می‌خواهند مواضع اصولی و مکتبشان را به قیمت حفظ کنند با نیروهای که چنین توانی را ندارند و علیرغم همین شعارهای علی‌الظاهر چپ اقتصادی‌شان به نوبت و نوبت مومنگیری شخصی سیاسی می‌رسد، توان برخورد صحیح و اصولی را از دست می‌دهند بی‌میرم. هر چند مومنگیری آنها تحت عنوان حفظ وحدت باشد، آنها توجیه ندارند که این عمل چون باعث نمی‌شود یک نیرو از محتوای مکتبش و درمغز رفتن مفوضش با جریانه‌ای آلوده به ارتجاع می‌شود، نقش آنها را در مرقوله وحدت‌طلبی از بین می‌برد و مومنگیریشان صرفا "شکن می‌شود. حال می‌بینیم که برخورد اصولی با وحدت در عین حیاتی و میرم بودن ناچه حد پیچیده است بشرط صداقت انقلابی صرفا" با برخورداری از تئیه ایدئولوژیک و سیاسی عمیق می‌تواند این رسید "وحدت و دانش انقلابی": طبیعی است که دانشجوین انقلابی با باید که توجیه به تمام ابعاد مسأله وحدت و قسمتی از آنرا در این بحث مورد بررسی قرار دادیم به متحد کردن موفقیات در چارچوب مبارزه ضد امپریالیستی و در جریان جنبش دانشجویی بپردازند. زمینه‌های گوناگون وحدت و چگونگی برخورد با آنها را بخوبی درک کنند و آنرا با شرایط ویژه دانشگاه تطبیق دهند و این مسأله‌ایست که بطور جداگانه در فرصتهای دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

و چه دیگری از نیروهای انقلابی و اصولی است. آنها هرگز برای وحدت از اصول مایه نمی‌گذرانند چرا که می‌دانند در این صورت نیروهایان در صوفی‌فرمانی‌های ارتجاعی‌زوب خواهد شد و سالت تاریخی‌شان از دست خواهند داد. درست بهمین دلیل بود که ما "سوسیالیسم و نمی‌توانستیم به مومبات مجلسی که جوهر ضد امپریالیستی و ضد استثنای داشت از دست می‌دهیم. مومباتی که بهیچ عنوان در "برگیرنده" انتظارات و مطالبات ما از جمهوری اسلامی نبود. (مراجعه شود به جزوه "حداقل انتظارات مصلحانه مجاهدین خلق" و نشریه "مجاهد شماره ۱۰۱" (سرگامه‌ای خبرنگار در تراوی داوروی و تلگراف فوری مجاهدین به مجلس خبرگان) و طبیعتا این مومنگیری که تا نتهه هیچ تناقضی با وحدت طلبی انقلابی و توحیدیه‌بان نداشت، بلکه دقیقا "خامن این بود، چراکه اگر از اصول مایه گذاریم بدون شک از محتوای انقلابی و مکتبیمان تنیده شده و دچار مصغفه‌های ارتجاعی خواهیم شد و در آنصورت هرگز نمی‌توانیم به پاسداری از وحدت

نهایتی تصور کرده‌اند که در توجیه و فرمایشات نظیر نیکان این اقدام به نایب‌ترین مکتب‌های مکتب‌ها می‌توانند و در این حمله به نایب‌ترین مکتب‌ها می‌توانند و در این حمله به نایب‌ترین مکتب‌ها می‌توانند...

ضرورت معیار تصفیه در ارتش

آیا تصفیه در سیستم ارتش صورت گرفته است؟

پس از انقلاب لازم بود ارتش شاهنشاهی به مقتضای اوضاع و احوال...

عناصر ضد اطلاعاتی و وابسته هر رژیم و امپریالیسم باید رذله صدمه، مورد تصفیه قرار گیرند

ولی همین جا باید به نکته ای مهم اشاره کرد. نکته ای که اگر فراموش شده، با توجه کافی به آن سدول نکردد...

تصفیه صفوف ارتش از عناصر وابسته یک حرکت مکتبی است

از آنها را فراهم آوردند که متأسفانه هنوز هیچ اقدامی در این انقلاب ندیده اند...

تکسک که نمی تواند خود را با آنها تطبیق دهد باید مورد تصفیه قرار گیرد

تکاهی به سپاهیان هزاران نفره حسین در مکه بینه دازیم که چگونه در راهی که در هر منزلت با گروه های مکرر امام و اراده و بیان اهداف مبارزه اش همراه است...

نامه یک همافر به نشریه مجاهد

(قسمت آخر)

استعمارگران را می توان چون آینه هیره که ستار خارجی، جوی آینه ای تمامنا مجسم دید...

مقررات جدید در مورد سود ویژه کارگران ادامه قوانین ضد کارگری است

قانون امتیازی است که در مقابل طرح حد اقل دستمزد به سرمایه داران داده می شود...

تناوب قوانین فعلی با قوانین شاهنشاهی در چیست؟

شاهه اساسی اینست که اصولاً قانون کار شاهنشاهی مورد تأیید کارکنان صنایع ایران نیست...

پس جای شورای وادار چیست

موضوع جالب توجه در این قانون، عدم توجه به نظر نگرفتن وظایف شورا در کارخانجات است...

رهنمودها

- ۱- شورای واقعی باید حق نظارت بر تولید و عرضه و فروش را داشته باشد... ۲- تعیین کارکنان و میزان و نسبت تقسیم سود... ۳- سود ویژه باید زیر نظر شورا باشد...

نویک

مسلاد امام هفتم بر یونیدگان رهش حخته باد

امامان سیده همه سلا بعدنسل حاملان سله قدسی اسلام باکی هستند که پیامبر در دنیا جزیره فریستان برافروخت...

پرتوی ارز زیارت عاشورا (۴)

حسین خون خداست و عصاره وجود است با حرمتی بسیار، چون این حرمت شکسته شود و شهیدش سازند و بر زمینش آندانند در سراسر وجود طوفانی پیامشود

دردار نه یک خونخواهی قبلیگی و نژادی بلکه خونخواهی است آرمانی و تاریخی. و درست به همین دلیل در کشف رهبری پیشوای حسینی طلیبه می‌شود که در هر زمان همچون "او" هدایت بخش و گویای حق باشد. پیشوایی جسم و حاضر، که تا کتب بر ضرورت وجودش عینیت و حتمیت "رهبری" را می‌رساند.

و اسئل الله بحکم و بالشان الذی لکم عنده ان یعطینی مما یمشی معکم ما اعظمها و اعظم زینتها فی الاسلام و فی جمیع السواست الاوضاع. و می‌خواهد از خدا، بحق شما و به شان و مقامی که در پیش او دارید، اینکه خدا به صمیمت در تمام باطن شما، بهترین چیزی را که به صمیمت زده‌ای باطن پیشوای حسینی عطا می‌کند، پس نیتما کلمه گرفتاری و صمیمیتی که چقدر عظمت داشته و سوگوری آن در اسلام و در جمیع آسمانها و زمین بزرگ بوده‌است.

خواستن و طلبیدن بزبان، البته که ساده‌ایست اما تحقق آن ساده‌ای دیگر است. تا آنجا که به انسان و جهان انسانی مربوط می‌شود، بدست آوردن هر خواسته‌ای نیازمند صرف داشتن "اعتبار" مناسب است. این جهان بدون "پشتوانه" مناسب هیچ چیز را در هیچ زمینه‌ای نمی‌توان بدست آورد. و اگر هم بدست آورده شود کاذب و سخت از دست رفتنی است. بدست آوردن کلمات معنوی نیز همچون دارایی‌های مادی ضروری است. پشتوانه و اعتبار مقتضی است. از سوی دیگر خواست به معنای نیازمند بودن است. پس آنکس می‌تواند فی الواقع (و نه فقط در حرف) کلماتی طلب کند و بخواهد که از پیش و از درون زمین نیاز داشته باشد. و می‌تواند به نیازمندی هر چیز نوعی مشابه و همگرای دوری با آن چیز است.

شهید، بر حاکمانند جسد‌های همیشه زنده‌است که حیات گذرا را بشوکتی پایدار ترک گفته‌اند.

از همه اینها نتیجه می‌شود که فرد صاحب طلب و خواهنده، باید که هم از حداقل همگرای برخوردار بوده و هم "اعتبار" را به پشتوانه خواست خویش سازد. و این اعتبار در اینجا حقانیت و شان و امان موقع است. در آستان خداوندیست. و از پای نبریم که هر پشتوانه و اعتباری مثل صرف ویژه خود را دارد. لذا هرگز نمی‌توان شان و برتیت حسینی را نردبان ترقی‌های این دنیوی دعاها و چنین است که این گروه دعاها و خواسته‌ها بلا تأثیر می‌ماند و هرگز استجابت نمی‌شود. اما اگر اعتبار حسینی، صرفی حسینی نیز داشته باشد، آنوقت به برترین می‌توان از خدا خواست که بقرین معنای صمیمت کسان و رنج‌آزایی در نصیب سازد. هرگز بزمزم که معنی رنج‌آزایی و گرفتاران کدام ارزش پست دنیوی است؟ ما به پیش در مسیر توحید که جستجوی خدا و ارزشهای معنایی است مفهوم شوخیستی های رفتار و امور آرایش بیش حیوان فحشاء در فرهنگ‌هایم. رستگاری راستین را در کمال نفسانی و روحانی، که البته سبانی مادی اجتماعی و جامعه نشانده خود را دارد جستجویم. راهی بر فراز و نشیب و زنجبار که به طلاات خدا می‌رسد "لکن کادح الی رتیک کدحاً ظلالیه". در آستان در گفتگای ابتلاات و درگیری‌ها و مصیبت‌های که بخاطر تکامل پذیرفت‌است خداگونه می‌سازد.

و اینست معنای مصیبت‌های راهی‌شدنی، یگانه ساز. کلن درست بدینشیم، مصیبت حسینی در اوج درامی حیرت‌برانگیز بشر وجودی پس شرح بدلی می‌شود، چرا که در کناکند هشتادگانه شیرواهی اهرمینی و بزادنی، ایوان یکبار پیروز شد‌است. این پیروزی، پیروزی شریعت است. ترانه دلکش و جباردان پیروزوار و راهی و حریت بشری. پس دیگر سانه، از دست دادن اجسامی و

ردیابی سیاست امپریالیزم

مقدمه: در میدان عمل سیاسی گذشته از ضرورت بررسی موضعگیری‌ها و عملکردهای هر نیرو، لزوم است که هر مسئله را جدا از ماهیتش نیز بررسی کنیم. عبارت دیگر در پهنه سیاست باید دو نوع برخورد کرده و در ارزیابی‌های خود اول با یک برخورد ایدئولوژیک ماهیت مسئله را مشخص کرد. دوم برخوردی سیاسی انجام کرد. چنانچه پذیرفته‌اشیم که هدفهای شخصی راههای شخصی رسیدن به آن هدفها را نیز دارند. بخوبی می‌توانیم که این دو نوع برخورد به هیچ وجه نمی‌توانند جدا از یکدیگر بوده‌باشند. لیکن در نظر نگرفتن این دو نوع برخورد و ملحوظ نداشتن مزایای هر یک را در عمل در اشتباهات مملکت می‌اندازد. و مثلاً اینکه هنوز به طلب و شارلانتای نفاذ سیاسی، رخت از همین هدفهای بظاهر کوچک ولی در واقع بسیار ظرفیت عمیق می‌باشد. اینگونه تاسار که در طی زندگی سیاسی خود بخوبی جهت ورش زده‌ای سیاسی را تشخیص می‌دهند، در فاشیستی‌ها و طرح شمار به‌تای مسالطه چپ سعی در تثبیت موقعیت خویش دارند. مسئله مهم در این رابطه ارزیابی سیاستی و تدوین اتحاد تاکتیکی‌ها و مناسب برای برخورد با او می‌باشد. که در صورت اتحاد روش برخورد ساده‌گرایانه و فرمالیستی از عهده در تاکتیک پیچیده دشمن برنخواهریم. بد نتیجه‌ای نخواهیم توانست اصولی‌ترین و مناسب‌ترین تاکتیکی‌ها را در مقابل دشمن انتخاب کنیم.

ضرورت برخورد سیاسی باسیاست امپریالیزم: موح جدید حرکت ضد امپریالیستی خلق قهرمانان، گذشته از تأثیرات دورانی که بر نیروهای گوناگون داشت، از آنجا که تمامی ارگانهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و... امپریالیسم را مستقیماً مورد تهدید قرار داده، با هم متحد شده‌اند. و گوناگون امپریالیسم آمریکا روبرو شده. همانگونه که بارها گفتیم اکنون که در آغاز یک راه برخوردی و پریخی و خم مشتمل ضرورتی باید به ارزیابی و رویه‌های سیاست امپریالیسم در قبال این موح جدید ضد امپریالیستی بپردازیم. لیکن همانگونه که در بالا ذکر کردیم در این ردیابی باید هم به برخورد ایدئولوژیک توجه کرده و هم برخورد سیاسی را در نظر داشت. از آنجا که ماهیت جریان حلقی در اصل و منبع مسئله می‌تواند حرفی داشته‌باشد و از آنجا که در خلال این حرکت شورآفرین حضور درصط‌طلبان و اغلارگران موبوع احساس می‌شود، ضروریست که به ارزیابی سیاسی مسئله از دیدگاهی های امپریالیسم - جدا از ماهیتش - دقت بیشتری کنیم. در مقالات گذشته گفتیم که در آغاز این موح نمایارانه با

انتقادات امپریالیستی می‌باشد تلاش می‌کند. و اعطافها و اشتیادهای هر جناح به کشورهای تحت سلطه فقط تا مرز برای همگی آنها قابل قبول است که در کل، سیستم سرمایه‌داری و امپریالیستی حاکم را بخطر نیاندازد. کندی حامی اسلام می‌شود!! بعنوان مثال می‌توان از نامه و موضع ساتور ادوارد کندی یاد کرد. کندی که گویا در رویای ریاست جمهوری آینده بسر می‌برد، گفت‌است که، ارتباط دادن سرنوشت یک فرد (نامه) به سرنوشت یک جامعه (امریکا) سیاسی و رشکته است. سناستور کندی از حمایت تعدادی از ساتورهای نیز در کنگره برخوردار است در نامه‌ای به امام خمینی می‌نویسد: "ما مدردرد حای جمهوری اسلامی هستیم. من خون خود را بخاطر شما خواهم داد. من هم مانند شما براه شما می‌اندیشم، حمایت و امداد مستقیمین و کارگران. حمایت خود را از شما اعلام می‌کنم چون ما تعلیمات و عقاید شما را درک می‌کنیم." در پس تمامی این اقدامات و موضعگیری‌ها حوزده‌ها نفر چپ، چاقیقی نیست‌است؛ آنها تجسبات و حتی منسک نیست که یک ساتور امپریالیست خود را حامی جمهوری اسلامی می‌داند؟ و از حقوق کارکنان مستقیمین می‌زند. گویا "ماهیت" اقدامات انساندوستانه آقای کندی روشن نمی‌شود که، وقتی تیرش بست خورد به یکباره منکر تفضای ملاقات و نوشتن نامه به امام خمینی می‌گردد. در کنار این سیاست‌های "حمایت" شاهد روش تزویر امپریالیستی شکل دیگری هستیم. رهبران کاس سفید و تزویرسین‌های آن اساس سیاست خود را بر مذهبیت و سیاست کام به کام قرار می‌دهند. برای درک سیاست امپریالیسم باید در ابتدا دید که بر کپهای برنده طرفین چه می‌باشد؟ واقعیت اینست که پذیرش شاه در آمریکا بهر صورت یک اشتباه بوده. سولواون سفیر کشور سابق آمریکا در ایران و فلیپین با زینتی دیپلماتیک خود می‌گوید: "از روش مرد ایران در مورد آشن شدن شاه به آمریکا بخوبی آگاه بودیم و من به وزارت خارجه هشداد باه‌بودم" بنابراین "شاه" خودی خود، بزرگترین نقطه ضعف امپریالیسم است. مسئله گروگان‌گرفتن نیز که در همین رابطه وجود آمده‌است در بنطن خود برای ما می‌تواند یک نقطه قوت دیگر بحساب آید. اما به دلیل مختلف تلاش وجود جناحهای تندرو، هم خوردن به غرور ملی گروگانگان - همانطور که کارت اشاره کرده‌بود- و علی‌الخصوص بیم از گشتن چنین شیوه‌های مبارزاتی در سطح بین‌المللی رهبران آمریکا را وادار می‌کند که در مورد اول - شاه - به تکاپو افتاده و با دست سرگردش از اوج گیری هرچه مسئله حلگویی کند و از سوی دیگر در مورد گروگانها تا کتد و فاقمیت زیادی از خود نشان دهد... - تهدید صریح کارت در این مورد -

دخالت نظامی آمریکا در ایران، از نوع ویتنام، بدلیل زیادی امکان پذیری نیست، ولی ایحاحات موضعی هم منتفی می‌باشد؟

از سوی دیگر مطابق عرف و سنن بین‌المللی و تفهیمات قانون سابقه حطه به سفارت کشوری و گروگان‌گرفتن حدود ۶۰ نفر که تعدادی از آنها آزاد شدند در هیچ جای دنیا نبوده. امپریالیسم در این رابطه و با آگاهی و وقوف کامل به این مسئله سحر و نقطه آغاز حرکت تبلیغاتی خود را گروگانها قرار داد. و پلیماس سفیر گفتند باید این تحریک را با نفع دیگر غیردیم. با تبلیغات وسیع و همه جانبه، از طریق سر و صدا را انداختن برای آزادی گروگانها در هدف عمده را گرفتند. عیب دیگر، اول یوشاندن نقطه ضعف آشکار خود - شاه - و دوم از موضع ملطوانه، مقدمه‌چینی و تدارک برای اعمال سیاستهای نظامی بعدی. و در این امر نیز موفقیت زیادی پیدا کرد. بطوریکه در یک نظرخواهی ۸۰٪ امپریالیست‌ها با دخالت نظامی در صورت بدرقاری با گروگانها موافقت کردند. و روشن است که صورتی که سیاست امپریالیست‌ها دخالت نظامی را ایجاد کند، اثباتا بدرقاری با گروگانها ۱۱ شکل نگرفته‌بود. در این مرحله امپریالیسم موفق شد که در صورت حرج جناح بر طرفت خود، در هر صورت همان منافع

شلیزینگر گفت: من طرفدار شدت عمل در خاورمیانه و اقدام نظامی در صورت وارد شدن مسترین لطافت با گروگانها هستم.

XXXXXXXXXXXX

اظهارات مختلف افراد و جناح های گوناگون در این رابطه جالب توجه‌است. شلیزینگر رئیس سابق گفته است: "من طرفدار شدت عمل در خاورشمن و اقدام نظامی در صورت وارد شدن کترین لطافت به گروگانها هستم." نیکسون اظهار داشت "آزادی گروگانها با حمایت ملت آمریکا از کارت اگان پذیر است. اگر ملت آمریکا کاملاً از کارت حمایت کند در کنگره برخورد است در نامه‌ای به امام خمینی می‌نویسد: "ما مدردرد حای جمهوری اسلامی هستیم. من خون خود را بخاطر شما خواهم داد. من هم مانند شما براه شما می‌اندیشم، حمایت و امداد مستقیمین و کارگران. حمایت خود را از شما اعلام می‌کنم چون ما تعلیمات و عقاید شما را درک می‌کنیم." در پس تمامی این اقدامات و موضعگیری‌ها حوزده‌ها نفر چپ، چاقیقی نیست‌است؛ آنها تجسبات و حتی منسک نیست که یک ساتور امپریالیست خود را حامی جمهوری اسلامی می‌داند؟ و از حقوق کارکنان مستقیمین می‌زند. گویا "ماهیت" اقدامات انساندوستانه آقای کندی روشن نمی‌شود که، وقتی تیرش بست خورد به یکباره منکر تفضای ملاقات و نوشتن نامه به امام خمینی می‌گردد. در کنار این سیاست‌های "حمایت" شاهد روش تزویر امپریالیستی شکل دیگری هستیم. رهبران کاس سفید و تزویرسین‌های آن اساس سیاست خود را بر مذهبیت و سیاست کام به کام قرار می‌دهند. برای درک سیاست امپریالیسم باید در ابتدا دید که بر کپهای برنده طرفین چه می‌باشد؟ واقعیت اینست که پذیرش شاه در آمریکا بهر صورت یک اشتباه بوده. سولواون سفیر کشور سابق آمریکا در ایران و فلیپین با زینتی دیپلماتیک خود می‌گوید: "از روش مرد ایران در مورد آشن شدن شاه به آمریکا بخوبی آگاه بودیم و من به وزارت خارجه هشداد باه‌بودم" بنابراین "شاه" خودی خود، بزرگترین نقطه ضعف امپریالیسم است. مسئله گروگان‌گرفتن نیز که در همین رابطه وجود آمده‌است در بنطن خود برای ما می‌تواند یک نقطه قوت دیگر بحساب آید. اما به دلیل مختلف تلاش وجود جناحهای تندرو، هم خوردن به غرور ملی گروگانگان - همانطور که کارت اشاره کرده‌بود- و علی‌الخصوص بیم از گشتن چنین شیوه‌های مبارزاتی در سطح بین‌المللی رهبران آمریکا را وادار می‌کند که در مورد اول - شاه - به تکاپو افتاده و با دست سرگردش از اوج گیری هرچه مسئله حلگویی کند و از سوی دیگر در مورد گروگانها تا کتد و فاقمیت زیادی از خود نشان دهد... - تهدید صریح کارت در این مورد -

در پشت پرده همه توطئه‌های علیه ایران، دست سرمایه‌داران و کارکنان، ترسانها و کوریوشن‌های

عظیم امپریالیستی نهفته است

الف: اقدامات اقتصادی مهم: پای تهاجم سیاسی آمریکا شاهد تصمیمات و اقدامات آشکار مغفی حساب‌الزمان نیستی به آمریکا. بزینته گفتی با بنفد قراردادهای سنگین و مخفی را به افزایش داد. در عرض این ده ماه که کاری شد، هرچه بود برده می‌شود و بندبازی با کلمات و پاسخی و پشت گردانداری تا مبادا آبروی او دستوان ببرد. مبادا به روابط دیرینه دستوان لطمه بخورد، مبادا به سرمایه‌های وابسته کسی بنگاه کند. تا مبادا جن خلی‌ها باز شود. در عرض این ده ماه کاری جز "مدیجس‌سرای و پشت سر امام سنگر گرفتن و کوبیدن و آن را که نکرده آید. الاث من فقط حرف "آیا ما حق نداریم ببریم چگونه از آمریکا حرف می‌زنیم و به علا کار برای تورتی‌ها به غارت رفته خلق انجام نمی‌دهد؟ آیا حق نداریم که بگویم شیروا و سازمانهای انقلابی از همان لطفه پیروزی و روزنه‌ای اول فریاد زدند "امریکا" - دستوان اصلی است و شما تشدیدید و نتواستید بشنوید و حالا در عوض احساس سلولیت، عبرت گرفتیم، بجای کارگرفتن تجربیات گذشته و بجای انتخاب عملی از خود و کشی خودتان با توفیل به جو عاطفی شدید؟ آمریکا... که بسیار بجا هم هست - و بز چگ رفتن تمام شی و همان خط را ادامه می‌دهید. آیا نمی‌بینید که خط امام چگونه رنگ می‌گیرد؟ و چه رنگی دارد؟ امپریالیسم با پیچیده‌ترین سیاستها به مقابله برخاسته، از تمام همکارانش کتد می‌کند و تا کی خود را در حرف پشتیبان امام خمینی قلمداد میکند؟ با دانسته یا خبید که در این مرحله غاص پشتیبانی از امام یعنی خط درست فدا امپریالیستی را رفتن. یعنی در عاطفی و به منطقم خود و غیر قابل نفوذ تبدیل کردن یعنی حرفهای گنده‌گنده و خوب را به منحنه بعد آوردن. این خط امام در این مقطع زمانی است. و هرچه غیر از این باشد فریب و نیرنگ است.

عکس‌العملهای سیاسی در واقع چه دست کارتها و تراشهای بین‌المللی از پس همه بی‌تولعه‌ها بیرون می‌آید و این اقدامات نشان می‌دهد که واخست امپریالیسم از بخطر افتادن نجات تا چه اندازه می‌باشد.

بندبازی با کلمات بی‌است، اگر واقعا فضا امپریالیست هستند،

فرا و داده‌ای ننگین امپریالیستی را

افشا و کلیه روابط با آمریکا را قطع کنید

ب: اقدامات سیاسی - سرمداد - ران کاخ سفید بعد از موفقیت در تبدیل کردن مسئله گروگانها به یک حربه تیز سیاسی علیه ایران دست به یک تهاجم وسیع دیپلماتیک می‌زند. و سایر همکاران خود را به کمک می‌طله. مارگرت تاچر نخست وزیر انگلستان بندرنگ از کارت حمایت یک اقدام نسبتاً کوچک نظامی می‌توان تسخیر کرد. "ساتور جاکسون پس از دیدار با کارت گفت: "گروگانها در حد است حتی پس از آزادی گروگانها در نوبت عملیات تلافی حیوانه را علیه ایران انجام دهد. و پلیماس سفیر است سازمانها باید انگیزه دست به تصمیماتی بزند تا به گروهای قومی و نژادی که در ایران در برابر "اله" استادی می‌کنند کمک نماید. مقامات رسمی هم علناً دست به تهدید زدند. البته نباید این تهدیدات را صرفاً یک بلوف سیاسی تلقی کرد. بلکه تهدیدات تهدید حربه رزمیناماری دارد تا بلوف. چرا که واقعیت این است که هر یک از این اقدامات، با هدفی برای ایجاد تنش و بی‌ثباتی در ایران است. و این تنش و بی‌ثباتی در ایران می‌تواند به نفع آمریکا باشد و از طرف دیگر می‌تواند به نفع ایران باشد. اما در هر صورت باید دید که این تنش و بی‌ثباتی در ایران می‌تواند به نفع آمریکا باشد یا به نفع ایران باشد. و این تنش و بی‌ثباتی در ایران می‌تواند به نفع آمریکا باشد یا به نفع ایران باشد.

سکوت ششقیه

این شعر در زمان "تخلیه ستاد مجاهدین" سروده شده که اکنون بمناسبت حمله به مراکز مجاهدین آنرا چاپ می نمایم

بیادوباره بشکن این، سکوت ششقیه را،
 بخوان!
 - که ابر تیره آمد از،
 - هجوم تلخ مارغین،
 - برآر، سر زگوش چاه زبیران!
 بیا دوباره نغمه زان!
 بخوان!
 دوباره بپرن این، فضای شهرخسته را،
 زآبهای روشن مجاهدین،
 بیادوباره برکنش آن،
 - هجای رنگ خورده را،
 رحله قیام این سکوت خشم خورده گان
 دوباره باز، روی کن!
 بسوی خاک سرخ گان نوشتگان،
 لره و لکن به خدعه های پرست اهرمن
 دوباره گرد، مردگی، زبام شیرپاکان،
 دوباره مشغلی چنان گذشته ها،
 - برآه حلق قهرمان بگیر!
 باز، راه قلمهای کبری، مسافر انتخاب کن
 - کسفرهای خالی انتظاران نشسته اند
 و در صدای رنگ تلخ کارگران نشسته اند
 - هنوز زخم ضمه های کارگر نیفتاده است
 والا های سرخ خون برهنه های پاک برگر،
 - دیده در تمام دشت ششقیه گام حلقان
 هنوز بوی نان داغ زندگی،
 زگلبه های مرده سر نمیکند،
 چگونه صبر میکنی؟
 بیا ببین!
 بین چگونه پشت خانه ت نشسته اند،
 چگونه رخم خون بجان خریدند،
 چگونه خانه می نشینی این چنین!
 کدام دستگیره ای خسته می نشاندت؟
 بین هجوم خلق را،
 - کلون در گرفته انتخاب میکند.
 بیا دوباره بشکن این، سکوت ششقیه را،
 بخوان!
 - کجوه های هم گرفتارند،
 بیا دوباره نغمه زن!
 - دوباره برچی به سرخی حیات کتب اخبار کن!
 گدازد آمریکا بر دشت سرخ انقلاب حلقان،
 زلوله مسلسل مجاهدین،
 هزار در هزارها، جوانه می زند،
 ببین!

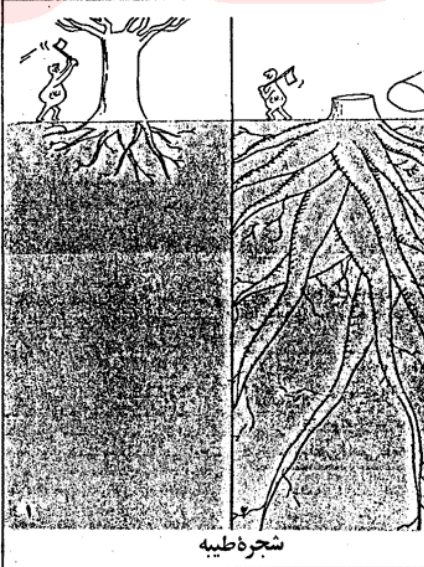
مهر ۵۸

من شرم میکنم - رویم سیاه باد!

پاکان برادران رزمنده خواهان
 اکنون
 نغیر تند گلوله
 با پانگ شمر و شعار شامت
 دربالان ملخو قیام
 پس سالیست ضرر را در
 دررهگذر ساحل دوا
 خریدار گشته اید.
 هرگاه من
 درسایهای ساکت سالم
 با آرزوی پنجرهای
 در انجساد حادثه می مانم،
 و زندگانم
 بگیاچه
 تقصیرهای مرده فرمولی است

رزم روانان
 عزم عظیمتان
 لبخند شوره خست
 که ای بوج
 آنک زمان زمانه خواندن
 آنک زمین زمینه ماندن نیست
 آنک پگاه عرضه جان است
 در دکه صور صداقت
 با لجه خلوص
 ای خلق قهرمان
 یاران حادثه

من شرم می کنم
 رویم سیاه باد!
 ای خلق قهرمان.
 گوناخواه - ک.ی.
 ۵۸/۸/۷۰



شجره طیبه

تذکره:
 خواهران و برادران عزیز که برای ما شعرهای ارسالی برپایان مشکلات متعددی بوجود آوردند... بهمین دلیل تصمیم گرفتیم اسامی شاعرانی که می شناسیمشان در مورد سایر اشعار نیز به حروف اول نامشان بسنده کنیم از شما می خواهیم در فرستادن اشعار خود به این مسئله توجه داشته باشید.

بقیه صفحه ۱۱

جرا آمریکا شاه را به پانامای فراری داد؟

سرنوشت شاه درس عبرتی برای همه دیکتاتورها

تصمیم گیری "شوراهای باقی نگذاشته" ...
 ۲- اتحاد با خلقهای تحت سلطه،
 در تیرود ضد امپریالیستی
 هیچ نیروی مترقی و انقلابی نمی تواند از رابطه "تاسیگر نیروها و جنبشهای انقلابی" بی نیاز باشد، زیرا امپریالیزم دیده های جهانی است و استبداد آن در مقابل آن جز با اتحاد و دنیای گیتی ما دو قطب بیشتر وجود ندارد یک قطب امپریالیزم و در اس آن امپریالیسم آمریکا که می خواهد جهان را ببلعد و قطب دیگر خلقهای تحت سلطه که علیه این نمایان شیطانی قیام کرده اند. همینکه از این روزها شاهد هستیم قدرت پول جهانخواور امپریالیسم آمریکا با آنچه قدرت پول و سلاح باز خود را نیازمند وحدت با دیگر نیروهای امپریالیستی می بیند و می کوشد تا مردم و حکومتها را با خود همراه کند. به طریق اولی ما که به لحاظ امکانات بسیار ضعیفتر از خصم هستیم به وحدت با همه نیروهای ضد

می کند... دشمن را می راند. آثارش را می ببرد و آلودگیها را می شوید؟ این تجربه موفق همه انقلابهای پیروز است. در این مرحله هم که در برابر دشمن عداوت و خطرناکی چون امپریالیزم لیزم آمریکا قرار گرفته ایم، تنها چاره، امان و بخت به ریمان خدا و جنگ زدن به ریمان خلق است. **ضربت علیهمم اللہ** ما نثقفوا الا یصلحوا بین الله و خلقه من الناس... (آیه ۱۱۲ سوره آل عمران) ریمان خدا و خلق که برمیازای از چاه ذلت و استبداد است، امروزه صدای عینی خود را در اتحاد همه نیروهای خلق علیه امپریالیسم آمریکا می یابد و در ایجاد شوراهای واقعی تجلی پیدا می کند. این همان رمز حیات بخشی است که بدخلطانی بر آن واقف بود و تمام آن را فریاد می زند. ولی افسوس که شاید و باید و اگر و مگرها... نگذاشته که تا حال شوراهای واقعی آنچنان که مورد نظر پدر بود به وجود آید. تاکنون اساسی جدید هم البته میدانی برای "عمل" و

عروسکهای کوکی ارتجاع (۲)

هدایت برای تمام انسانهاست، پیامبر هرگونه بختی را در مرتجعین قدغن و صحت و سلم اندیشه ها را به جریان عمل می نهد؛ چون مرتجعین اساساً و ماهیتاً قادر به درک توحید نمی باشند و پذیرش توحید با منافع آنها منافات دارد، آنها در جواب تبلیغ پیامبر می گویند:

"وَكذَّبُوا لَأَنْتَ لَمْ تَكُنْ مِنْ قَبْلِكِ بِي قَرِيْبٍ مِنْ نَبِيِّ الْأَنْبِيَاءِ مُتَّفِقًا إِنَّا وَجَدْنَا آبَائَنَا عَلَىٰ تِلْكَ آثَارِهِمْ يُقَدِّمُونَ، قَالَ أَوْلَئِكَ مَا بَأْسِي يَا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ قَوْلًا مَا لَكُمْ مِنْهُ عِلْمٌ بِيَدِ الْكَافِرِينَ" (سوره زخرف ۲۳)

پس این چنین پیش از تو در هیچ جامعه ای پیامبری نفرستادیم مگر اینکه سرمایه داران و مرتجعین گفتند، ما به فرهنگ و ایدئولوژی پدران و گذشتگان خودمان معتقدیم و از آنها پیروی می کنیم. پیامبر گفت: حتی اگر ایدئولوژی من تکاملی تر و هدایت کننده تر از ایدئولوژی گذشتگان باشد؛ مرتجعین پاسخ دادند، آری ما آنچه تو آورده ای را قهر هستیم.

بنا بر این مرتجعین با هرگونه نوآوری و قانون تکاملی، تضاد و مخالفت دارند. حالا پیام آور این قوانین هرکه می خواهد باشد، نظرونی ندارد. و باز در سوره آیه ۲۴ فرموده است: **مَنْ يَدْعُنَا إِلَىٰ تَرْفُوهَا إِنَّا بِهَا أَرْسَلْنَا قُرْآنًا مَنظُومًا** (سوره زخرف ۲۴) "ترفوهها" بنا بر اصلش به "گافرون" ما در هیچ جامعه ای پیامبری و پیششاری نفرستادیم مگر اینکه سرمایه داران و مرتجعین آنها گفتند ما به هر چه تو بیان کنی کافر هستیم. با این حساب اگر همه چیز را می شد از طریق بحث و صحبت حل کرد، چرا فریادهای امام علی بعد از فوت پیامبر در مردم مؤثر نیفتاد؟ چرا ندهای امام حسین را با آنچه جده تقوای انقلابی، کسی اجابت نکرد؟ چرا فریادهای ناصر بختری او را کسی از لشکریان معاویه پاسخ نداد؟

حتی مارکها و تبلیغات معاویه نسبت به علی آن چنان در میان توده های ناگام مؤثر افتاد بود که، بعد از شهادت علی، بوفتی که خیر شهید شدن علی در محراب هنگام نماز به معاویه که در حال سخنرانی! در مسجد شام بود گفتند، مردم با تعجب سؤال کردند، مگر علی هم مسلمان بود و نماز می خواند، علی اساساً در مسجد چکار می کرد؟ بنابراین باید این تصور را از خود دور کرد، موضوعات ما در مرتجعین مؤثر نبفتند!! در افراد ناگامه و ولی در مرتجعین شاخه شده هرگز.

وقتی مجاهدین ندا می دهند، که وحدت در این شرایط نیازمند یک مبادا؛ یعنی است، و آنچه مبارزه ضد امپریالیستی می باشد، و کار مردم را به خودشان واگذارد، و استاد و مبارک امپریالیزم را افشا کند تا

امیر انتظامهای دیگر هم مشخص شوند. انحصارطلبی نکنند، به خلقها خودمختاری بدهند... معلوم است که عده ای از این رهگذر منظر می شوند در این شرایط اگر امام علی هم باشی مسلمان نیستی، اگر امام حسین هم باشی و برای ارتقاء اسلام خودت را به داد مباحثی خارجی و جاسوسی!! هیچگاه مرتجعین در یک سبده دم طلاهی به پای خودشان حاضر به تسلیم نخواهند بود، و گفتار حق ما هم در آنها اثری نخواهد داشت، زیرا که جنگ اصداد قانون لایتنن و سنت الهی است، دعوی ما با مرتجعین یک دعوی تاریخی است با تمام ابعادش، جنگی است بین نیروهای خواهان استعمار و نفی کنندگان بهره کشی، جنگی است که ما آنرا در برهه تاریخ جنگی روز در کتوت برده و برده دار، زمانی در فووالد و رعیت و برهائی هم در کتوت کارگر و سرمایه دار و شرایطی هم در انقلاب و ارتجاع می بینیم. پیغمبر بر سر انقلاب، خدا و پیغمبر نیست، دعوی اسلام، ناب و معتقدین به جامعه هم بی طبقه توحیدی و اسلام ارتجاعی مخالف نظام بی "طبقه" توحیدی است که لذت بدون دلیل نیست که

اسلامی آری سو استفاده ارتجاعی از اسلام هرگز، سده راه نیروهای ارتجاعی می شوند، وقتی دوز و گنگهای آنها را در انتخابات مجلس خبرگان روزگه مخالفت با قوانین ضد اسلام راستین می نمایند، در مقابل شیوه های ارتجاعی - نظامی برای حل مسئله در کستان می ایستند و راه حل سیاسی را پیشنهاد می نمایند باید که سد تلقی شده و سرکوب شوند.

انگیزه انقلابی که انقلاب روی جاده صاف و هموار حرکت کند حتما در شناختن انحرافات مرتجعین تجدید نظر نماید

و اما سختی هم با برادران و خواهران هوادار؛ شما با مقاومت های خود و حمایت از سازمان در واقع منافع امپریالیزم و پایگاه داخلی اش ارتجاع را به خطر انداختید و کثافت کاریها و جنایات آنها را افشا نمودید و سد راه عملکردها و قوانین ارتجاعی شان گردیدید... با این وضع انتظار دارید که بارک الله و احسنت هم بشنود، تشریح شود؟ مارک نخورد، توطئه علیمان صورت نگیرد... هیچ می دانید یا روی دم امپریالیزم هار و وحشی آمریکا گذاشته اند؟ و این راه هم می دانید که امپریالیزم دارای تجارب ضد خلقی فراوانی می باشد، چرا که توطئه نکند، اگر انتظار این را دارید که انقلاب روی جاده ای صاف و هموار حرکت کند حتما در شناختن از امپریالیزم تجدید نظر نمایید. و اینست مضمون مبارزه انقلابی، زمانی باید شنجید شد، زندان رفت، مردانه در هر کوی و برزی جنگید و شهید شد و زمانی هم تهمت شنید، مارک خورد، آنچه که مهم است اینست که هرگز گامی به عقب برنداریم، هرگز سنگر را خالی نکنیم بلکه سنگر به سنگر و در هر شرایطی مردانه بایستیم و مقاومت کنیم، جنگ خلق و ضد خلق و جنگ انقلاب و ضد انقلاب، جنگ دو ایدئولوژی و دو روحیه است، برای تحقق روحیه برتر و ایدئولوژی واقع گرانه، اگر بدستی راه خودتان اعتقاد دارید (که حتما دارید) و به مبرندگی نیروهای ارتجاعی هم مؤمنید، بدانید که امپریالیزم و ارتجاع داخلی علیرغم کلیه امکانات مادی و منویشان نهایتاً در صورت عملکردهای درست و اتحاد تاکتیکی مناسب ما به بر کاغذی

استوار و بقول قرآن: **وَأَلْمِزُوا الْأَنْبِيَاءَ وَاتَّبِعُوا آثَارَهُمْ** اگر انقلابی راستین و مؤمن واقعی هستید هرگز نباید در مقابل سختی های مبارزه ست و محزون گردید زیرا که شما برترید و پیروزید از آن شامت.

سردمداران ارتجاع را هرگز نمی توان با بخت و مذاکره وادار نمود که، دست ساز روشهای ارتجاعی شان بردارند

خواهران و برادران عزیز: فکر می کنید که با بحث و مذاکره و قسم و آیه می توانید سردمداران ارتجاع را قانع نمائید که، دست از روشهای ارتجاعی بردارند کلاماً در اشتباه هستند زیرا که زمین شوره سنبل بر نیارد. پیامبر هم موفقی که با سردمداران کفر و ارتجاع برخورد می کرد و بعد از آن بن بست کشیده شدن بجهت های دشمنی به دستور خدا روشن بود، و بحث با آنها را قطع می نمود، قرآن در سوره هود آیه ۱۲۲ می فرماید: **قُلْ لِيَدْرِي بِيَوْمِ حِسَابِهِمُ مَا يَصِفُونَ** پیامبر چنین می گوید: "قُلْ لِيَدْرِي بِيَوْمِ حِسَابِهِمُ مَا يَصِفُونَ" (سوره هود آیه ۱۲۲) مرتجعین که ایمان نمی آوردند بگو: هر کاری که از دستتان برمی آید انجام دهید و ما هم عمل خاصی خود را انجام نمی دهیم. تا در جریان عمل اجتماعی صحت و سقم اندیشه های ما مشخص گردد.

جرا با وجود اینکه قرآن کتاب

بقیه صفحه

